

سنخ شناسی نخبگان در پژوهش‌های تاریخی

(نمونه: سنخ شناسی و تبیین جهت گیری سیاسی نخبگان شیعه امامیه در عصر عباسی)

Typology of elites in historical researches

(Case: typology and explaining political orientation of Shia Imame elites in the Abbasid era)

Sayyede Soosan Fakhraee *

سیده سوسن فخرائی *

Alimohamad Valvi **

علیمحمد ولوی **

Fateme Jamila Kohne Shahri ***

فاطمه جمیلی کهنه شهری ***

Abstract:

The current research is an attempt to apply quantitative analysis and methodology to Islamic history and go further than solely relying on historical narratives already in place. The writers believe that despite difficulties, it is possible to convert historical information to numbers and figures. By using theories in other sciences in the native context, and applying statistical methods, we can reach significant conclusions, models and lessons. By employing the orientation typology on historical figures, and presenting a sample, the researchers present their model. The example shown outlines the political tendency of Shiite elites in the time of the Great Occult to the end of the rule of Baghdad. It appears that Shiite elites did not have a uniform reaction to the powers of their time. Four typologies were found in the directions they chose, and were tested against variables. Statistical analysis and correlation coefficients show significant results in relevant tables and graphs.

Keywords: Typology, Political orientation, Shia elites, Scientific attitudes, Political rule.

چکیده:

پژوهش پیش رو، تلاشی است که در جهت معرفی مطالعه و تحقیق روشمند در تاریخ اسلام و فراتر رفتن از اکتفا به نقل و توصیف و کیفی‌تر نمودن پژوهش‌های تاریخی به عمل آمده است. نگارندگان بر این باورند که می‌توان داده‌ها و اطلاعات تاریخی را، هر چند سخت باشد، در قالب اعداد و ارقام درآورد و با استفاده از بومی‌سازی نظریات در علوم دیگر و مدد گرفتن از تکنیک‌های آماری، به نتایج قابل توجه و مفیدی در تاریخ دست یافت و به یکی از مهم‌ترین اهداف مطالعه تاریخ که الگوگیری و پندآموزی است نائل آمد. استفاده از روش سنخ‌شناسی شخصیت‌ها در تاریخ، با معرفی یک نمونه کار، الگویی است که پژوهشگران در صدد معرفی آن می‌باشند. نمونه ارائه شده، پیرامون سنخ‌شناسی و تبیین جهت‌گیری سیاسی نخبگان شیعه امامیه، در دوران غیبت کبری تا سقوط خلافت بغداد است. به نظر می‌رسد نخبگان شیعه، نسبت به حاکمیت سیاسی، جهت‌گیری یکسانی نداشته‌اند. هفت گروه نخبه در صنف مختلف شناسایی شدند و با توجه به متغیرها و شاخصه‌های آنان، چهار سنخ متفاوت از جهت‌گیری نخبگان شناسایی و در ارتباط با متغیرها، مورد آزمون قرار گرفتند. روش‌های آماری و تحلیل همبستگی، نتایج قابل توجهی را در جداول و نمودارهای مربوطه، نشان می‌دهند.

کلیدواژه‌ها: سنخ‌شناسی، جهت‌گیری سیاسی، نخبگان شیعه، نگرش علمی، حاکمیت سیاسی.

* PNU assistant professor of history of Islam

** Professor of history of Islam at the Alzahra University

*** Assistant Professor of sociology at the Alzahra University

* استادیار رشته تاریخ اسلام دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول)

s_fakhraie@yahoo.com

** استاد رشته تاریخ اسلام دانشگاه الزهرا (ع)

*** استادیار رشته جامعه‌شناسی دانشگاه الزهرا (ع)

مقدمه

یکی از مهم‌ترین فواید مطالعه تاریخ بر اساس آیات قرآن کریم، روایات ائمه و سخنان مورخینی چون سخاوی در *الاعلان بالتوئیخ*، ابن خلدون در *مقدمه*، مسعودی در *مروج الذهب*، بیهقی در *تاریخ بیهقی* و مسکویه در *تجارب الامم*، پند و عبرت گرفتن از سرنوشت گذشتگان و «الگوسازی» است و از مهم‌ترین و بارزترین مختصات تاریخ‌نویسی مسلمانان، توجهی است که به توصیف سجایای اخلاقی و رفتار رجال و قهرمانان و به عبارت دیگر «نخبگان» (Elites)، به‌منظور الگوسازی داشته‌اند. بهترین نمونه الگوسازی را در نهج البلاغه حضرت علی (ع) می‌توان دید. علی‌رغم موارد مذکور، شیوه اکثر مورخین مسلمان در گذشته و حتی اکنون نیز، بیان روایات تاریخی، بر مبنای نقل اخبار و بیشتر توصیف بوده که در مقایسه با روش‌های پژوهش امروزی در بسیاری از کشورهای پیشرفته، ضعیف و ناکارآمد به‌نظر می‌رسد و ضرورت بازبینی روش‌های تحقیق در تاریخ اسلام را بیش از پیش نشان می‌دهد. نیاز به کسب معرفت و شناخت صحیح پیرامون شخصیت‌ها، افکار و رفتار آنان در تاریخ اسلام، سبب می‌شود محققین، به بهره‌گیری از مطالعات بین‌رشته‌ای و بومی سازی نظریه‌های مطرح در علوم چون جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، روان‌شناسی، علوم سیاسی، آمار و اقتصاد روی آورند و استفاده صحیح و به‌جا از آنها در بازسازی وقایع تاریخی، جایگزین اکتفا به توصیف و نقل اخبار و یا تقلید صرف و کورکورانه از نظریه‌ها بشود.

بنابراین، سنخ‌شناسی نخبگان، در صنف‌های مختلف و با به کارگیری متغیرهای متفاوت، یکی از روش‌هایی است که می‌توان با رویکردی نو و کیفی

در استخراج و ارزیابی داده‌های تاریخی، دور از تعصب و پیش‌داوری و بازی با اعداد و ارقام، به نتایج ملموس و واقعی‌تری دست یافت. این نوشتار، به منظور معرفی و به‌کارگرفتن روش‌های نو در پژوهش‌های تاریخی، با ارائه یک نمونه عملی تدوین شده است. به منظور ارائه نمونه سنخ‌شناسی، نخبگان شیعه امامیه مدّ نظر قرار گرفت و بررسی انواع جهت‌گیری سیاسی آنان نسبت به حاکمیت (اعم از خلیفه یا سلاطین محلی)، در فاصله آغاز غیبت کبری (۳۲۹ق) تا سقوط بغداد (۶۵۶ق) در محدوده ایران و عراق، برای ارائه الگویی روشمند در پژوهش تاریخی انتخاب شد. عنوان مذکور در معرفی روش و بسط کار پایان نامه دوره دکتری نویسنده اول است که تحت عنوان «سنخ‌شناسی و تبیین جهت‌گیری سیاسی نخبگان شیعه اثنی عشری در شرق خلافت اسلامی در سال‌های ۶۵۶-۳۲۹ق» در سال ۱۳۹۰ ش در دانشگاه الزهرا (س) با درجه عالی دفاع شده است.

سنخ‌شناسی، اصطلاحی است که در مطالعات جامعه‌شناسی و روان‌شناسی، کاربردهای بسیاری پیدا کرده و در سال‌های اخیر در پایان نامه‌ها، مقالات و پژوهش‌های تاریخ اسلام نیز به‌کار گرفته شده است. در علوم اجتماعی سنخ‌شناسی یا گونه‌شناسی، طبقه‌بندی و تنظیم داده‌هاست که با توجه به مشخصات آنان و بر پایه معیار یا معیارهایی خاص صورت می‌گیرد. این معیارها می‌توانند عینی، ساده و غیر متعدد باشند (نظیر سن، جنس، نژاد) یا ذهنی (نظیر ایدئولوژی، عقیده‌ای خاص و...). در هر گونه شناسی، دو اصل جامعیت و مانعیت باید مراعات گردد. به این معنی که هر سنخ، باید به طور مصرّح، تعریف شده و دارای ابعاد لازم جهت دربرگیری همه

عناصر مربوط به خود باشد و هر نوع باید تعدادی خاص از عناصر مورد نظر را دربرگیرد و داده‌های آن در هیچ رده دیگری جای نگیرند (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۸۹۰/۲).

در روان‌شناسی، سنخ یا نوع به طور کلی به گروه یا طبقه‌ای اشاره دارد که با پردازش یا نمایش برخی ویژگی‌های خاص، مشخص می‌گردد و نظریه سنخ (Type: صلیبی، ۱۳۸۲: ۴۱۱ - ۴۱۲) در روان‌شناسی، نظریه‌ای است که در آن افراد بر پایه ویژگی‌های مشترک طبقه بندی می‌گردند. پژوهش‌هایی که در زمینه سنخ‌شناسی شخصیت‌ها (چه مثبت و چه منفی)، به صورت روشمند عرضه می‌شوند، می‌توانند نقش مفیدی در الگوسازی و دستیابی به یکی از مهم‌ترین اهداف در مطالعه تاریخ اسلام، داشته باشند.

سابقه سنخ‌شناسی

بهترین نمونه‌های سنخ‌شناسی در تاریخ اسلام را می‌توان در کلام حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه یافت. ایشان در خطبه‌های متعدد نهج‌البلاغه، اوصاف مؤمنین، متقین، فاسقین و یا اهل دنیا و... را شرح داده‌اند. برای مثال؛ از ایشان در مورد احادیث منقول از پیامبر (ص) و روایان آنها سؤال شده و حضرت در پاسخ، در خطبه ۲۰۱ نهج‌البلاغه، (سید رضی، ۱۳۷۹: ۵۰۴-۵۰۸) روایان حدیث را به چهار دسته، تقسیم نموده و مشخصات آنان را توضیح دادند که عبارتند از: منافقان نفوذی، اشتباه کاران، ناآگاهانی که حدیث-شناس نیستند و حافظان راست گفتار.

در جای دیگر در خطبه ۳۲: «الدهر و الناس»، مردم را پس از وفات پیامبر (ص)، در دنیاطلبی، به پنج گروه تقسیم فرموده‌اند که چهارگروه گمراه و یک گروه رستگارانند (همان: خطبه ۸۲/۳۲ - ۸۳).

در آثار مورخین و رجالین، نیز مواردی از سنخ‌شناسی، مشهود است. ابن شهرآشوب در معالم العلماء، (ابن شهرآشوب، ۱۳۸۰: ۱۴۶ - ۱۵۳) شعرای شیعه را به چهار دسته تقسیم کرده است که توضیح چندانی راجع به خصوصیات آنها و دلیل این تقسیم-بندی نیاورده، اما از نام‌هایی که برای آنها انتخاب کرده می‌توان منظور او را فهمید. ملاک ابن شهرآشوب، آثار به‌جای مانده از شعرا و موضع‌گیری آنها نسبت به اهل بیت (ع) است. (بیشتر افرادی را که در دوران ائمه بوده و شعر سروده‌اند در این تقسیم بندی‌ها نام برده‌است). چهارده‌سته شاعران او عبارتند از: ۱- مجاهرین (آشکارگویان)، ۲- مقتصدین (میان‌روهای معتدل)، ۳- متقین (کسانیکه اهل تقیه هستند و جانب احتیاط را نگه می‌دارند)، ۴- متکلفین از نظر لغوی به معنای تحمل کنندگان سختی است. اما منظور مؤلف چه بوده و مصداق آن چیست، دقیقاً واضح نیست. ابن شهرآشوب هرکدام از این چهارگروه را نیز به چند دسته تقسیم کرده‌است. برای مثال در فصل مربوط به شعرای مقتصد، سه دسته نام می‌برد: سادات (فرزندان ائمه) - یاران ائمه - پیروان ائمه (ع) و در هر مورد تعدادی از افراد را فهرست کرده‌است (همان: ۱۵۰).

در پژوهش‌های جدید، چندین رساله و پایان‌نامه در سطح ارشد و دکتری، با استفاده از روش سنخ‌شناسی و بهره‌گیری از تکنیک‌های آماری، به خصوص در گروه تاریخ دانشگاه الزهراء (س)، کار شده است و اکثر آنها به راهنمایی و یا مشاوره نویسندگان دوم و سوم مقاله حاضر، انجام شده است که برای نمونه به چند مورد اشاره می‌شود:

«سنخ‌شناسی و تبیین تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا (با تکیه بر آثار فارسی تا قرن دهم ق)؛

در میان جامعه‌شناسان و نظریه پردازان غربی، مرتون، گرث و میلز برای ارائه نظریه‌های خویش در زمینه رفتارهای اجتماعی متفاوت، از مدل‌های سنخ-شناسی استفاده کرده‌اند؛ برای نمونه:

میلز در بحثی تحت عنوان: انواع جهت‌گیری (برآیند دو جنبه نگرش و رفتار انسان)، نسبت به کنترل‌های اجتماعی، معتقد است؛ نخبگان اغلب در انتقال از یک ساختار اجتماعی به ساختار دیگر، نقش‌های مهمی ایفا می‌کنند. آنان بر اساس آرمان‌ها و ایده‌آل‌های خود و با بهره‌گیری از امیدها و آرزوهای مردم، آنان را تحریک می‌کنند و به طرفداری و یا مخالفت با یک نظام سیاسی سوق می‌دهند. هر جا که هنجارها و مقررات، آرمان‌ها و آرزوهایی وجود داشته باشد، روان‌شناسی اجتماعی آموخته است که انتظار «تخطی» از آنها و در مورد احکام مذهبی، انتظار «گناه» را داشته باشیم.

بنابراین باید میان رفتارها و گرایش‌های افراد، با توجه به هنجارهای مورد قبول حاکمیت تفاوت قائل باشیم. (میلز، سی رایت و هانس گرث، ۱۳۸۰: ۲۸۶-۲۵۵) میلز در بحثی تحت عنوان جهت‌گیری نسبت به کنترل‌های اجتماعی و رعایت هنجارهای حاکم، معتقد است که هر مقرراتی که ضمانت اجرایی داشته باشد، چه توسط قانونگذار وضع شده باشد و یا کارگزاران متفرقه، (مانند قواعد عرفی یا اخلاقی) ممکن است جهت‌گیری شخصی و اجتماعی متفاوتی به همراه داشته باشد و بر اساس تفاوت در گرایش و رفتار فرد چهار گروه را شناسایی نموده است. میلز برای نشان دادن گروه‌های مورد نظر جدول زیر را ارائه نموده است:

(میر ابوالقاسمی، ولوی، جمیلی، ۱۳۹۰: پایان نامه دکتری تاریخ اسلام، تهران، دانشگاه الزهرا(س))؛ در این پژوهش نویسنده با بررسی آثار متعدد نویسندگان فارسی زبان در باره واقعه عاشورا و مقایسه آنها با گزارش‌های تاریخی معتبر، با تعیین شاخصه‌هایی به سنخ‌شناسی و دسته بندی نویسندگان و آثار آنها و تحلیل گفتمان حاکم بر آثار، پرداخته است. به این منظور جداول و نمودارهایی طراحی و ارائه گردیده است.

اثر دیگر: «سنخ‌شناسی و تبیین جهت‌گیری سیاسی نخبگان شیعه اثنی عشری در شرق خلافت اسلامی در سال‌های ۶۵۶-۳۲۹ ق»: (فخرائی، ولوی، جمیلی، ۱۳۹۰: پایان نامه دکتری تاریخ اسلام، تهران، دانشگاه الزهرا(س))؛ در این مقاله به منظور ارائه سنخ‌شناسی، نمونه‌ای از مطالب این رساله، ارائه خواهد گردید.

موارد دیگری نیز کار شده مانند «سنخ‌شناسی اصحاب راوی شأن نزول آیات سیره نبوی (ص)» (محمدی و دیگران، ۱۳۸۹: تهران، دانشگاه الزهرا (س))؛ و نیز «سنخ‌شناسی رفتاری صحابه شاخص حاضر در غزوات با تکیه بر الگوی سنخ شناختی قرآن»: (سهراب زاده و دیگران، ۱۳۸۹: تهران، دانشگاه الزهرا (س))؛ در هر کدام از موارد فوق‌الذکر که به عنوان نمونه گفته شد، بر اساس متغیرها و شاخصه‌هایی که در نتیجه مطالعات و بررسی‌های نویسنده به دست آمده، جداولی اختصاصی، طراحی گردیده و در تحلیل جداول با رسم نمودارها و تکنیک‌های آماری، نتایج جالب و نویی به دست آمده است.

گرایش نسبت به آرمان و هنجار

رفتار نسبت به			
آرمان و هنجار	+	I	+
	-	III	-
		II	
		IV	

مرتون در یک نوع‌شناسی دیگر از دو بعد نگرش و رفتار، جهت‌گیری افراد را بر اساس میزان تعصب و تبعیض قومی نسبت به اقوام دیگر، در طیفی بین افراد آزاداندیش و مساوات‌طلب در همه شرایط و یا غیرآزاداندیش و غیرمساوات‌طلب در همه شرایط، ارزیابی و در چهارگروه دسته‌بندی نموده است. از نظر مرتون، شخصیت افراد، هم به‌وسیله شرایط اجتماعی شکل می‌گیرد و هم به نوبه خود الگوهای رفتاری را شکل می‌دهد.

هر فرد از آحاد جامعه، از نظر اجتماعی تا اندازه‌ای مجبور به گزینش الگوی خاصی از رفتار است که بنابر ویژگی‌های شخصیتی ناشی از اعتقادات و باورها، تربیت خانوادگی، شرایط محیطی، فشار نقش، موقعیت زمانی و مکانی خاص و ... متفاوت است و بسته به نگرش افراد و عوامل مختلف، گزینه‌های متعددی وجود خواهد داشت و شخص می‌تواند یکی از روش‌ها را انتخاب نماید. بدین ترتیب در زمینه‌های اجتماعی مختلف، جداول سنخ‌شناسی متفاوتی می‌توان ارائه داد که جهت‌گیری‌های افراد را نشان می‌دهند (گروثرز، همان: ۱۵۰-۱۴۰).

در این پژوهش، در نمونه مورد بررسی، منظور از سنخ‌شناسی نخبگان شیعی، دسته‌بندی آنان بر اساس نوع جهت‌گیری سیاسی‌شان نسبت به حاکمیت می‌باشد. نخبگان بر اساس آنکه چه نگرشی نسبت به سرمداران حکومت داشته و چه رفتاری را بروز داده‌اند، در یکی از جهت‌گیری‌های سیاسی مطرح در

- مورد اول (I) فردی است که هم گرایش و هم رفتارش نسبت به هنجار حاکم، موافق و همراه است که با علامت مثبت، نشان داده شده است. چنین فردی به آن چه که اعتقاد دارد عمل می‌کند.

- مورد دوم (II) گرایش منفی و رفتار مثبت نسبت به آرمان و هنجار دارد، میلز اینان را «هم‌رنگان با جماعت» خوانده است.

- مورد سوم (III) که گرایش مثبت و رفتار منفی دارد، فردی است که در لفظ به هنجارها معترف است اما در عمل از آن طفره می‌رود.

- مورد چهارم (IV) را شورشی (مخالف) حساب کرده که نه رفتار و نه گرایش او تابع هنجار حاکم نیست (همان: ۲۹۱-۲۸۶). مرتون نیز در زمینه رفتار اجتماعی فرد و ناهنجاری‌های مربوط به آن، الگویی ارائه داده و جهت توصیف، پنج شیوه انطباق فردی را مشخص نموده است (Merton, P. K. 1968: 108) (111- و جهت‌گیری فرد نسبت به اهداف فرهنگی، در مقابل جهت‌گیری نسبت به وسائل نهادینه شده برای وصول به آن اهداف را نشان داده است. آیا فرد برای رسیدن به اهداف فرهنگی جامعه، از وسایل و راه‌های پذیرفته شده و نهادینه در اجتماع استفاده می‌کند و خود را با آنها منطبق می‌نماید یا راه‌های دیگری را می‌آزماید؟ مرتون در جدولی، پنج نوع عملکرد احتمالی را مشخص و دسته‌بندی نموده است که عبارتند از: سازگاری، نوآوری، آئین‌گرایی، انزواطلبی و شورش (گروثرز، ۱۳۷۸: ۱۴۹-۱۴۸).

پژوهش، جای خواهند گرفت. در این نوشتار سعی شده با بهره‌گیری از شاخصه‌های منعکس در نظریه‌های دانشمندان، معیارها و متغیرهای مناسبی تعریف شود و با پیاده نمودن داده‌های تاریخی در جداول، ضمن فراوانی سنجی انواع نخبگان، جهت‌گیری سیاسی نخبگان شیعه دوازده امامی، در ارتباط با حاکمیت در حد امکان مشخص گردد و سنخ‌های متفاوت جهت‌گیری سیاسی آنان، تبیین شود. به بیان دیگر، شناسایی ویژگی‌های نخبگان شیعه امامیه، معرفی انواع نگرش و رفتار نخبگان و میزان فراوانی آنها در بین رجال علمی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی، و تبیین چرایی و علل و عوامل میزان سازگاری و یا ناسازگاری نخبگان با فرامین و هنجارهای مورد قبول حاکمیت، موضوع این پژوهش است.

بیان مسئله (در نمونه ارائه شده)

کتاب‌های بسیاری در شرح حال برخی از نخبگان شیعه امامیه به ویژه فقهای بزرگی چون شیخ طوسی، شیخ مفید و شیخ صدوق و... نوشته شده است و نیز پیرامون اندیشه سیاسی شیعه امامیه و در دوران مورد مطالعه و به ویژه دوران معاصر، آثار بسیاری موجود است.

ولی تاکنون کمتر پژوهشی به بررسی وجود تفاوت در جهت‌گیری سیاسی (برآیند نگرش و رفتار سیاسی)، میان طیف وسیع نخبگان شیعه، پرداخته و یا به تبدیل داده‌های تاریخی به اطلاعات آماری توجه نموده است. هر چند به سختی می‌توان در تحولات تاریخی به تکنیک‌های آماری اعتماد کامل نمود و موفق به سنجش اثر و نیروی حقیقی هر یک از عوامل تأثیرگذار در تحولات اجتماعی-تاریخی شد، ولی می‌توان نتایجی نزدیک به واقعیت برداشت نمود. در هر حال هر چقدر که قضاوت در مورد وقایع تاریخی را از حالت توصیفی-انتزاعی صرف خارج کنیم و در قالب کمیّات مستدل قابل دفاع در بیاوریم بهتر می‌توان به واقعیت‌های تاریخی که باید آینه عبرت‌مان باشد دست یافت.

دغدغه محققان، رفتارهای متفاوتی بود که در نخبگان شیعه امامیه نسبت به حاکمیت، پس از غیبت کبری، دیده شده است. به ویژه با مشاهده کتاب ارزشمند *التقصّ قزوینی*، در عین لذتی که از تسلط نویسنده بر علوم کلام، تاریخ و فن مناظره و قدرت اقناع حریف مخالف تشیع، احساس می‌شد، ادبیات گاهی تملق آمیز او نسبت به شاهان غزنوی و سلجوقی، علامت سؤال بزرگی بود که نیاز به پاسخ داشت. مگر نه آنکه در دوره مورد بحث، همکاری با غاصبین خلافت، نهی شده بود و آنان ظالم و جائر معرفی شده اند، پس دعای خیر و توجیه ظلم و خشونت آنها دیگر چرا؟

در تاریخ پر فراز و نشیب اسلام، اساسی‌ترین عامل ایجاد اختلاف و تفرقه میان مسلمین بحث جانشینی پیامبر(ص) و موضوع رهبری و امامت بوده است (شهرستانی، ۱۴۰۴: ۳۷/۱). بین شیعه و سنی در اعتقاد به ضرورت وجود خلیفه یا جانشین پیامبر(ص) و لزوم وجود شرایط خاص در او، به دلیل رعایت مصلحت جامعه اسلامی، اختلافی نیست. اما در این که شرایط و خصوصیاتش چه باید باشد و چگونه انتخاب و یا انتصاب می‌شود؟، بین فرق اسلامی و حتی شیعی، اختلافات جدی وجود دارد. شیعه دوازده امامی (Twelver Immamite) در دوران حضور ائمه معصوم با تبعیت از آن بزرگواران تا قبل از غیبت کبری (در زمینه جانشینی پیامبر و نحوه تعامل با حاکمان)، در هر دو حوزه عمل و نظر، از انسجام و وحدت رویه بیش‌تری برخوردار بودند؛ اما با پایان دوران حضور عینی و ملموس ائمه و وکلای امام(ع) و آغاز غیبت کبری، به عقیده بسیاری از محققین این دوره، شیعه دوازده امامی دچار نابه‌سامانی و بلا تکلیفی در نوع رفتار با

حاکمیت سیاسی شد. وجه تمایز شیعه دوازده امامی، تأکید بر امامت معصوم، منصوب (مفید، ۱۴۱۳: ۸۱۰-۸۱۲) و منصوص به نص جلی و یا خفی، بود (بر خلاف زیدیه که به نص خفی اعتقاد دارند: (قاسم بن محمد، ۱۴۲۱: ۱۵۳) که به اعتقاد شیعه امامی به جز حضرت علی(ع)، هیچ کدام از جانشینان پیامبر(ص) و خلفاء صدر اسلام، دارای چنین خصوصیتی نبودند. یکی از مشخصه‌های دیگر شیعه دوازده امامی، دوستی با دوستان ائمه و دشمنی با دشمنان ایشان و غاصبین حقشان است(شهرستانی، همان: ۱۶۹/۱-۴۲؛ ابن خلدون، مقدمه، ۱۴۹۸: ۳۷۸/۱ و ۶۰۳؛ شوشتری، ۱۴۰۹: ۱۶۵/۳۳).

شیخ کلینی در کافی و شیخ مفید در کتاب /اختصاص، حدیثی از رسول خدا (ص) و امام صادق (ع) نقل نموده‌اند مبنی بر این که محکم‌ترین پایه ایمان، دوستی در راه خدا و دشمنی بخاطر خدا و دوستی با اولیاء الله و بیزاری از دشمنان ایشان است. (کلینی، ۱۳۶۲: ۱۲۵/۲ و ۱۲۶؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۳۶۵): «فقال رسول الله (ص):... لكل ما قاتم فضل و ليس به و لكن اوثق عرى الايمان الحب في الله و البغض في الله و توالى اولياء الله و التبرى من اعداء الله» این اعتقاد در قالب تولی و تبری به عنوان یکی از فروع اعتقادی شیعه دوازده امامی شکل گرفت. شیعه امامیه در دوران مورد بحث حکومت را حق امام معصوم(ع) و یا نمایندگان ایشان دانسته و حاکمان دیگر را، غاصب حق امام معصوم(ع) و جائز و ظالم می‌شناختند و همراهی و همکاری با چنین حاکمانی را فقط بر مبنای ضرورت و اضطرار جایز می‌دانستند: سلاز بن عبدالعزیز دیلمی- م ۴۳۶ ق اولین فقیهی بوده که نماز جمعه را در غیبت امام تحریم نمود تا مجبور به ثناگویی خلیفه در خطبه‌ها نشود و قاضی

شوشتری معتقد است که شیعیان چون حاکمان را جائز می‌دانستند، در نماز جمعه شرکت نمی‌کردند(خویی، ۱۳۶۹: ۱۷۰/۸، ۱۷۷/۹ و ۱۷۸، ۳۷۴/۱۱-۳۷۱).

با تأکیدی که در روایات بر منع یاری رساندن به حکام غاصب و جائز بوده و با دقت در رویدادهای تاریخی، به موارد بسیاری از همراهی، موافقت و معاونت نخبگان شیعه امامیه با سلاطین و یا خلفا بر می‌خوریم که با عقیده خاص شیعه دوازده امامی، در باب امامت و خلافت در دوره مورد بحث، همخوانی ندارد (شوشتری، ۱۳۶۷: ۲۲۶ و ۲۲۵). بسیاری از همراهی‌ها و همکاری با حکام تحت عنوان استراتژی «تقیه» مطرح شده است و تقیه سپری حفاظتی جهت حفظ جان و مال و ناموس شیعیان از خطر تعرض دشمنان، در شرایطی خاص، واجب دانسته شده است.

از امام صادق(ع) نقل گردیده: «تقیه دین من و دین پدران من است و کسی که تقیه ندارد دین ندارد.»(کلینی، همان: ۲۱۷/۷ - ۲۱۹). غیبت امام دوازدهم و انتظار به مدت نامعلوم، که از اعتقادات اصلی شیعه امامیه محسوب می‌شود، سبب شد تا متفکرین شیعه علی‌رغم اصرار بر نامشروع و جائز دانستن حکومت‌های وقت، به نظریه پردازی در زمینه همکاری و یا عدم همکاری با سلاطین و حاکمان بپردازند. علمای بزرگ شیعه نظیر شیخ صدوق، شیخ مفید (مانند شیخ صدوق در *المقنع و الیهادیه*، ۱۳۷۷: ۱۲۲ و شیخ مفید در *المقنع*، ۱۴۱۳: ۸۱۰ - ۸۱۲)، سید مرتضی، ابن ادریس حلّی و دیگران در کنار کتاب‌ها و رساله‌هایی که در زمینه غیبت و فلسفه انتظار امام معصوم و منصوص، نگاشته‌اند در فاصله زمانی مورد نظر، رساله‌ها و کتاب‌های متعددی نیز در

زمینه جواز همکاری مشروط و مقید با حاکم عادل و حتی جائر نوشتند. به عنوان نمونه سید مرتضی در جواب وزیر مغربی، (وزیر شیعه مشرف الدوله بویه؛ ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴۹/۲۲؛ شبیری، ۱۳۸۲: مقاله نعمانی و مصادرالغیبه: ۳۵۷ رساله «مسأله فی العمل مع السلطان» و رساله «المقنع فی الغیبه» را نوشت و به سؤالات و شبهات مختلفی در این زمینه پاسخ داد و با وجود صدور جواز همکاری مشروط با حاکمان، (که گاهی عادل هم هستند و همکاری با آنها واجب شده) هم چنان آنان را حاکم غاصب و نا مشروع می‌دانست (سید مرتضی، ۱۹۵۴: ۹۸/۲ - ۹۶).

این دوره تاریخی در آثار برخی از نویسندگان متأخر، به عنوان دوره انفعال سیاسی - نظامی (آقاجری، ۱۳۷۶: ۱۸۱) شیعه امامیه و همراهی آنان با حاکمان معرفی شده است، در صورتی که در همین دوره، به قدرت رسیدن افرادی از شیعیان در حد فرماندهی سپاه، وزارت، قضاوت، امیرالامرای و... به هر دو شکل همراهی با حاکمان و یا مقابله با آنان گزارش شده است (خاندان مزید در عراق، مانند سیف الدوله صدقه و پسرش دبیس: ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴۷۰/۱۰ - ۴۶۹ - ۴۴۹ و ابن جوزی، ۱۴۱۲: ۸۸/۱۰، ۸۷؛ اسپهبدان مازندران و خاندان باوند در طبرستان، مانند رستم بن علی ملقب به شاه غازی: قزوینی، ۱۳۵۸: ۵۵۳، ۳۹۹، ۲۶۲، ۲۰۰، ۱۳۲، ۱۱۰).

از طرف دیگر خلفای عباسی، علی رغم تظاهر به دعوت مردم به ولایت آل پیامبر(ص)، ائمه شیعه را رقیبان سرسختی می‌دیدند که اگر بتوانند قدرت را در دست بگیرند، خلفا را به عنوان حاکم ظالم، غاصب و جائر برکنار خواهند نمود. از این رو در دوره حضور ائمه (ع) آنان را به شدت تحت نظر داشته و در تنگنا قرار می‌دادند تا امکان هر نوع مخالفتی را از آنان

بگیرند و به‌جز در چند مقطع خاص، چون دوران حیات علمی امام صادق (ع) و یا ولایتعهدی امام رضا(ع)، ائمه شیعه را از دسترسی به مراکز قدرت دور نگه می‌داشتند. شیعه امامیه نیز بعد از واقعه کربلا، به توصیه ائمه (ع) به تقیه رو آورده و تمایلی به درگیری با حاکم و یا تصدی مناصب دولتی و همکاری با آنان، از خود بروز نمی‌دادند و به همین دلیل بعضی از مورخین و مؤلفین، شیعه را اقلیتی ضعیف و کنار گذاشته شده به تصویر کشیده‌اند که دخالت مؤثر و نقش فعال و تعیین کننده‌ای در حکومت‌ها نداشته‌اند. اما با مطالعه و تفحص در متون تاریخی سال‌های بعد از غیبت کبری تا سقوط خلافت عباسی، متوجه می‌شویم که با وجود غیبت امام(ع)، و علی رغم اظهار نظر مخالفین شیعه امامیه، نخبگان شیعه دوازده امامی نه تنها اقلیتی ضعیف و مطرود نبوده‌اند بلکه در بسیاری از فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی نظامی نقش‌های محقق و مؤثری داشته و در بسیاری از میدان‌ها، بازی‌گران اصلی بوده‌اند.

با توجه به نظریات مربوط به نخبگان و گردش آنها در جوامع، می‌توان بزرگان شیعه دوازده امامی را در فعالیت‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و... نخبگانی دانست که خود را شایسته و سزاوار حکومت و دخالت در فرآیندهای مربوط به اداره جامعه دانسته‌اند و هر زمان که توانسته‌اند با نفوذ در مناصب کلیدی سعی کرده‌اند تا قدرت سیاسی را تحت اختیار و کنترل خود درآورند. و حتی بعضی از سلاطین متعصب و ضد شیعه (برای مثال برخی از سلاطین سلجوقی و غزنوی) نیز به همکاری و همراهی شیعه چشم داشته‌اند؛ هر چند از قلع و قمع و سرکوب گاه و بیگاه آنان نیز غافل نبوده‌اند(قزوینی

در /التقص به موارد بسیاری اشاره کرده است: همان: ۱۳۱، ۱۲۱، ۱۲۰، ۱۱۹، ۱۰۸).

از طرف دیگر سلاطین و حکام محلی که با وجود ضعف خلفای عباسی داعیه امارت داشتند، جهت بقای دولت، خود را نیازمند همراهی و تأیید نخبگان شیعی می‌دیدند که به دلیل غیبت امام شان به نظر خلع سلاح شده و کم خطر نیز می‌آمدند. فقها، ادیبان، علما و صاحب منصبان شیعه ارتباط تنگاتنگ و نفوذ گسترده‌ای در بین توده مردم داشتند و در مواردی با توان مالی بالا و نقش آفرینی مؤثر در عرصه اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و حتی نظامی بسیار سرنوشت‌ساز بودند. برای مثال کمک گرفتن خلفای عباسی و سلاطین از قدرت نظامی مزیدی‌ها و حمدانی‌ها و اسپهبدان مازندران در سرکوب مخالفانی چون قرمطیان، اسماعیلیه و سرداران ترک شورشی و... در متون تاریخی بسیار ذکر شده است (ابن اثیر، ۱۳۹۹: ۴۷۰-۴۶۹؛ ابن جوزی: ۸۸/۱۰ - ۸۷؛ قزوینی، همان: ۵۵۳، ۳۹۹، ۲۶۲، ۲۰۰، ۱۳۲، ۱۱۰) یا دارایی فراوان ابن فرات (ابن خلدون، ۱۴۰۸/۱۹۸۸: ۴۴۷/۳). ابن عمید (ابن کثیر، ۱۹۸۶/۱۴۰۷: ۲۲۷-۲۷۹/۱۱) صاحب بن عباد (ابن خلدون، ۱۴۰۸/۱۹۸۸: ۵۳۱/۳؛ ابن کثیر، ۱۹۸۶/۱۴۰۷: ۳۱۶/۱۱) و داد و سدهایی که با قدرت حاکم داشتند، این سؤال را به ذهن متبادر می‌نماید که تفاوت رفتاری که بین نخبگان شیعه دوازده امامی دیده شده به چه دلیل بوده است؟ و اصولاً جهت‌گیری سیاسی نخبگان شیعی قالب خاص و معین و پذیرفته شده‌ای داشته و یا متفاوت بوده است؟

در صورت وجود تفاوت، چه قالب‌های رفتاری را می‌توان شناسایی کرد؟ و نسبت کمی‌گروش به این قالب‌ها در بین نخبگان شیعی به چه میزان بوده

است؟ و با چه عواملی ارتباط دارد؟

جامعه مورد پژوهش، با عنایت به شاخصه‌هایی که پاره‌تو و وبر در مورد نخبگان، آورده‌اند و نیز با توجه به کتاب /التقص که منزلت اجتماعی- سیاسی شیعیان در آن مطرح شده است، انتخاب گردید. به منظور جمع آوری اطلاعات مورد نیاز، منابع بسیاری، شامل منابع تاریخی، رجال، فقهی، فلسفی، کلامی و ادبی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت و از میان چند صد رجال شناسایی شده، ۲۴۳ نفر نخبگان شیعه، در ۷ گروه شناسایی و طبقه بندی شدند که شامل فقها و محدثان، صاحب منصبان امامیه، ادیبان، عالمان، مورخان، فلاسفه و مفسران می‌باشند.

با الهام گرفتن از جداول و مفاهیم مطرح در تحقیقات جامعه شناسانی مانند مرتون و گرت و میلز که مطالعات میدانی زیادی در زمینه مشکلات اجتماعی و خانوادگی انجام داده بودند، جدولی اختصاصی طراحی شد که خلاصه داده‌های تاریخی در این جداول جمع آوری و سپس تحلیل و همبستگی سنجی انجام شده است.

متغیر وابسته پژوهش، جهت‌گیری سیاسی نخبگان شیعه امامی نسبت به خلفا و یا سلاطین، تعیین گردید و با توجه به پیشینه تحقیق و نظریات و افکار نویسندگانی که در این حوزه فعالیت داشته اند، سه متغیر مستقل نگرش علمی، حیثیت اجتماعی و وضعیت اقتصادی بعنوان فرضیات پژوهش، مطرح و در بوطه آزمایش قرار گرفتند.

تعریف و تحدید واژگان پژوه

جهت‌گیری سیاسی: (Political Orientation) جهت، در لغت، سو، سمت و طرف معنی شده است (دهخدا؛ ۱۳۷۳: ۱۱۷۵/۲) و جهت‌گیری یا سوگیری به نگرشی

اطلاق می‌شود که فرد عامل در ارتباط با برخی انتظارات به خصوص در هنگام رویارویی با فشار نقش ترجیح می‌دهد که بروز دهد. هر انسانی در طول زندگی خویش با مسائل و رویدادهای مختلفی مواجه می‌شود که نسبت به آنها برداشت‌های خاص و احساسات ویژه‌ای خواهد داشت که بر اساس آن برداشت و احساس ویژه، عکس‌العمل و رفتار معینی بروز می‌دهد. (صلیبی، همان: ۲۳۳) مجموعه شناخت‌ها (اعتقادات و باورها) و احساسات (هنجارها و عاطفه‌ها) و آمادگی برای عمل (تمایلات) نسبت به پدیده معینی را «نگرش» (Tendency- Attitude: معادل انگلیسی کلمه نگرش، واژه Attitude می‌باشد که این اصطلاح در دهه ۱۹۵۰ به بعد متداول گردید و چندین معنا دارد. این واژه از کلمه لاتین Optus گرفته شده که به معنی مناسب و سازش‌یافتگی است و ریشه دیگر این کلمه Aptitude بوده که به معنی حالت و آمادگی ذهنی یا فکری برای عمل می‌باشد. به طور کلی نگرش‌ها عبارت از پسندها و بیزاری‌ها، دوست داشتن یا نداشتن موقعیت‌ها، اشیاء، اشخاص، گروه‌ها و هر جنبه مشخصی از محیط، از جمله اندیشه‌های انتزاعی و خط مشی‌های اجتماعی هستند (آلپورت، گوردن دلیو و جونز، ادوارد ای، ۱۳۷۱: ۱۱۶؛ اتکینسون و همکاران، ۱۳۷۰: ۳۴۴). برای نمونه شناخت مثبت فرد نسبت به یک شخصیت سیاسی سبب ایجاد علاقه و گرایش عاطفی به او و شرکت در همایش‌ها و جلسات سخنرانی آن شخصیت و تمایل به اجرای منویات و فرامین او می‌گردد (ساروخانی، ۱۳۷۵: ۴۸/۱). در این پژوهش، جهت‌گیری سیاسی؛ اصطلاحی است که به برآیند مجموع نگرش و رفتار سیاسی (Political attituden

(Political behaviour) شیعیان دوازده امامی نسبت به حاکمیت سیاسی و حاکمان اطلاق می‌شود. نخبه: از ریشه «نَخَبَ» به معنی برگزیده و برترین و جمع آن نخبات و نخب است در لغتنامه معین، نخبه به معنی برگزیده و انتخاب شده از هرچیز آمده است. واژه الیت، تحت عنوان «سرآمدان» در دانشنامه سیاسی «اسم جمع برای کسانی که در یک جامعه یا گروه به سبب ویژگی‌هایی (واقعی، ادعایی، یا تصویری) جایگاهی ممتاز و برجسته دارند» (آشوری، ۱۳۸۶: ۱۹۷) تعریف شده است. در زبان فرانسوی در قرن هفدهم این واژه به «بهترین چیزی که در هر نوع از اجناس وجود دارد» و برای توصیف کالاهای مرغوب اطلاق می‌شد. بعدها جهت اشاره به گروه‌های اجتماعی برتر به کار رفت (Edmond Huguët, 1771). واژه «نخبه»، از اوایل قرن بیستم به بعد در آثار موسکا، ویلفرد پاره تو و شاگرد او کولابینسکا (Gaetano Mosca-Vilferedo Pareto) رواج پیدا کرد و به افرادی گفته می‌شود که بالاترین امتیازها را در رشته فعالیت خود به دست آورده‌اند و در جامعه محل زندگی‌شان محترم و مؤثر شمرده می‌شوند (تی‌بی باتامور، ۱۳۷۷: ۵-۱). از نظر پاره تو، نخبگان افرادی هستند که عملاً وجهی از قدرت را در دست دارند. در این میان، نخبگان ایدئولوژیکی، اشخاص یا گروه‌هایی هستند که در اطراف ایدئولوژی معینی متشکل گردیده یا در به وجود آوردن ایدئولوژی خاصی سهیم‌اند. همچنین می‌توانیم اشخاص یا گروه‌هایی را در این رده بندی قرار دهیم که ایدئولوژی مشخصی را اشاعه می‌دهند یا سخنگو و معرف‌آند. (گی روشه، ۱۳۸۳: ۱۲۳) نخبگان کاریزمایی و نخبگان ایدئولوژیکی، لزوماً جزئی از نخبگان حاکم نیستند.

آورند(گی‌روشه، ۱۳۸۳: ۱۲۱-۱۲۰؛ باتامور، ۱۳۷۷: ۵ - ۲؛ جهت مطالعه بیش‌تر مراجعه شود به آثار وبر و نیز کتاب‌هایی چون: علیمحمد ولوی، ۱۳۸۹ش)؛ برزگر، (۱۳۷۶ش)، *تاریخ تحول دولت در اسلام و ایران*: ۶۳). نخبگان را می‌توان به دو گروه حکومتی و غیر حکومتی تقسیم کرد (باتامور، ۱۳۷۷: ۸۲-۵۵) در ادبیات بومی ما اصطلاح «خواص و عوام» نیز می‌تواند نمایانگر چنین صف بندی‌هایی در لایه‌های اجتماع باشد. پاره تو برگزیدگان حکومتی را به دو جناح تقسیم می‌کند، جناحی که حاکم است و مستقیم یا غیرمستقیم نقش قابل ملاحظه‌ای در حکومت ایفا می‌کند و عملاً قدرت را در دست دارد و نخبگان حکومتی غیرحاکم (منتظر یا به تعبیری پشت در) که در شرایط مناسب جای گروه حاکم را خواهند گرفت و توده مردم یا غیر نخبگان که دنباله رو حاکمان خود هستند.

معیارهای تشخیص نخبگان شیعه

- با توجه به تسلط حاکمان سنی مذهب مخالف شیعه، در اکثر دوران مورد مطالعه و اصل تقیّه در بین شیعیان، چگونه می‌توان نخبگان شیعه دوازده امامی را در این دوران تشخیص داد؟ معیار و ملاک تشخیص نخبه شیعه دوازده امامی چیست؟

- بعضی از نویسندگان این دوره به‌طور خاص، (مانند نویسنده *فضائح الروافض*) و ظن غالب مورخین، به‌طور عام، شیعه امامیه را جزء گروه‌های اقلیت (Minority Group) محسوب نموده‌اند. با توجه به نکته مذکور و در شرایطی که در بیش‌تر دوران مورد بحث، تشیع جرم محسوب شده، اولین ملاک تشخیص شیعه بودن فرد، افعال و اظهارات خود شخص است، که در آثار او و یا در آثار دیگران

این‌ها می‌توانند نخبگان صاحب نفوذ ولی بدون اقتدار و حاکمیت رسمی باشند. در این مورد می‌توان از مخالفینی سخن راند که قدرت حاکم را نفی نموده یا مورد اعتراض قرار می‌دهند. این‌ها اغلب گروه‌هایی هستند که دگرگونی‌های ساختاری آینده را سبب می‌شوند و موجب جهت‌گیری مجددی از کنش تاریخی می‌گردند و در تغییرات اجتماعی مؤثر واقع می‌شوند و مهم‌ترین شاخصه آن نقش داشتن و شرکت در تصمیم‌گیری‌های درون جامعه و نیز الگوسازی است. نخبگان با توجه به جاذبه‌ای که دارند مورد تقلید قرار می‌گیرند و جنبه الگوسازی و سمبلیک دارند و از این طریق بر جامعه تأثیر می‌گذارند و نفوذ خود را اعمال می‌نمایند. علاوه بر این، شاخص‌های پایگاه اجتماعی، در کتب جامعه‌شناسی، ثروت، شهرت و قدرت دانسته شده است (همو، همان: ۱۲۸-۱۱۶؛ قنادان، ۱۳۸۳: ۱۸۳) و در بعضی منابع شاخص‌های پایگاه اجتماعی، حیثیت، رجحان و مقبولیت آمده است (ملوین، ۱۳۷۳: ۴۵).

نخبگان اشخاص و گروه‌هایی هستند که در نتیجه قدرتی که به دست می‌آورند و تأثیری که بر جای می‌گذارند، یا به وسیله تصمیماتی که اتخاذ می‌نمایند و یا ایده‌ها، احساسات و هیجاناتی که به وجود می‌آورند، در کنش تاریخی جامعه مؤثر واقع می‌شوند. به عبارت دیگر نخبه فردی است که با برخورداری از استعدادها، ویژگی‌ها و یا صلاحیت‌های فردی، در شأنی از شئون قدرت اجتماعی (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، نظامی و...) مؤثر بوده و بالقوه امکان دخالت در تغییرات اجتماعی را دارد. از نظر پاره تو نخبگان تنها به کسانی اطلاق می‌شود که دارای اقتدار یا قدرتی باشند و بالاترین امتیاز را در رشته فعالیت خویش به‌دست

منعکس شده باشد. ابراز عقیده علنی، بهترین ملاک تشخیص است. ملاک دیگر وابستگی خویشاوندی به پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) و سادات ایشان است. عبدالجلیل قزوینی تصریح دارد بر این که «علوی الاصل، غیرامامی و غیرشیعی نخواهد بود» (قزوینی رازی، ۱۳۵۸: ۲۲۴). وابستگی‌های قبیله‌ای و خاندانی ملاک دیگر شیعه بودن افراد می‌تواند باشد، خاندان نوبختی و آل بابویه، اشعری، حمدانی، آل بویه و... از خاندان‌های معروف شیعه بوده‌اند و یا قبایل بنی اسد، بنی طی، بنی بجیل و... از یاران و پیروان حضرت علی (ع) و طرفداران ایشان محسوب شده‌اند. در صورتی که تصریح به اهل تسنن بودن فرد نشده باشد وابستگی به این قبایل و خاندان‌ها به احتمال قوی می‌تواند نشانه تشیع شخص باشد. سکونت در محله‌ها و شهرهای معروف به شیعه‌نشین، چون محله کرخ بغداد و شهر حله، کوفه، قم و آوه، ملاک دیگری برای تشیع احتمالی فرد است. در کتاب *التقص قزوینی* مصادیق بسیاری از مراکز شهری شیعه‌نشین ذکر گردیده است (همان: ۴۵۹، ۲۷۸، ۲۱۱، ۱۱۷، ۱۱۰، ۹۱، ۸۱، ۷۷، ۷۴، ۳۶، ۳۴ و ...).

معیار دیگر وصیت فرد به دفن او در اماکن مقدس شیعی و در جوار قبور ائمه (ع) است (هرچند که بسیاری از دوستان اهل بیت که سنی هم بودند و بعضی از خلفای عباسی، چنین علاقه و وصیتی داشته‌اند).

استادان و شاگردان فرد نیز می‌تواند نشانه گرایش مذهبی او باشد؛ هرچند که در آن دوره اساتید معروف شیعه و یا سنی از مذاهب دیگر نیز شاگرد می‌پذیرفتند.

معیار بارز دیگر، اظهار نظر مورخین و رجالین سنی درباره مذهب شخص است.

برای نمونه اگر ذهبی، ابن سعد و یا ابن جوزی

بر شیعه امامی بودن فردی تصریح نمایند به تشیع او حکم خواهد شد. مجموعه و یا بعضی از ملاک‌های فوق، به همراه شواهد و قرائن تاریخی، تألیفات و آثار نخبه و اظهار نظر نویسندگان منابع مذکور، معیار این پژوهش در تشخیص نخبگان شیعه دوازده امامی خواهد بود.

بر اساس توضیحات فوق، پرسش‌ها و فرضیات پژوهش به این شرح است:

پرسش‌های پژوهش

پرسش زمینه‌ای: (این پرسش قلمرو اکتشاف و توصیف را پوشش می‌دهد و بر مبنای آن متغیرهای وابسته و مستقل و شاخصه‌های آن تعیین شده‌است):
چه عواملی با جهت‌گیری متفاوت نخبگان شیعه دوازده امامیه نسبت به حاکمیت سیاسی در ارتباط بوده است؟

سؤال‌های اصلی

- ۱- نوع نگرش علمی نخبگان شیعه دوازده امامی، چه ارتباطی با جهت‌گیری سیاسی آنان داشته است؟
- ۲- وضعیت اقتصادی نخبگان شیعه دوازده امامی چه ارتباطی با جهت‌گیری سیاسی آنان داشته است؟
- ۳- حیثیت اجتماعی نخبگان شیعه دوازده امامی چه ارتباطی با جهت‌گیری سیاسی آنان داشته است؟

فرضیات پژوهش

- ۱- بین نگرش علمی نخبگان شیعه دوازده امامی و جهت‌گیری سیاسی ایشان نسبت به حاکمیت سیاسی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. (در دو بُعد خلافت و سلاطین محلی) با توجه به نظریات متعدد متفکرین و

دانشمندانی چون مارکس، وبر، پاره‌تو، که توان بیش‌تر اقتصادی را سبب کسب قدرت سیاسی می‌دانند (و یا بالعکس) فرضیه دوم ارائه می‌شود:

۲- بین وضعیت اقتصادی نخبگان شیعه دوازده امامی و جهت‌گیری سیاسی ایشان نسبت به حاکمیت سیاسی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. (در دو بُعد خلافت و سلاطین محلی) با توجه به مباحثی که در *النقض قزوینی*، مطرح شد و قشرهای منزلتی وبر (وبر، ۱۳۷۳: ۲۳۲-۲۲۰) و ارتباط آن با جهت‌گیری سیاسی و سخن‌وارنر در مورد قضاوت دیگران درباره منزلت افراد (ریمون آرون، ۱۳۷۷: ۲۴۵ - ۲۱۱) و نظر پارسونز درباره قضاوت‌های ذهنی دیگر آنکه قشر اجتماعی را تعیین می‌کند و بعضی از صفات و مشاغل فرضیه سوم ارائه می‌گردد (کوزر، ۱۳۸۳: ۱۷).

۳- بین منزلت اجتماعی نخبگان شیعه و جهت‌گیری سیاسی آنان نسبت به حاکمیت سیاسی، رابطه معنی‌داری وجود دارد. (در دو بُعد خلافت و سلاطین محلی)

الگوی سنخ‌شناسی این پژوهش، پس از مطالعه و کنکاش در نظریه‌های مطرح، مدلی نو و ابتکاری است که با در نظر گرفتن امکان ارزیابی و اعتبارسنجی متغیرهای مختلف، (در ضمن فراوانی سنجی)، میزان ارتباط متغیرهای مستقل بر جهت‌گیری سیاسی نخبگان را در معرض آزمون می‌گذارد.

روش پژوهش

مراحل مختلف پژوهش، در چهار بخش تنظیم و ارائه گردید. بخش اول به مبانی پژوهش، معرفی و نقد منابع و پیشینه تجربی و نظری کار، روند فرضیه

سازی و معرفی جداول و الگوی سنخ‌شناسی پژوهش اختصاص داده شد. بخش دوم گردآوری اطلاعات تاریخی مربوط به شاخصه‌های جداول در هفت گروه مجزاست که خلاصه آنها در جداول سنخ‌شناسی، مندرج شده است. بخش سوم به توصیف و تحلیل آماری داده‌های تاریخی و رابطه سنجی و تحلیل همبستگی با استفاده از نرم افزار spss پرداخته و سپس فرضیه‌های پژوهش مورد آزمون قرار گرفته و در نهایت، نتیجه پژوهش و نمودارهای مربوطه ارائه گردیده است.

نخستین مرحله پژوهش، شناسایی نخبگان شیعه دوازده امامی است. ابتدا باید بزرگانی که در عرصه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نخبه محسوب شده‌اند و می‌توانند در تغییرات اجتماعی اثرات قابل ملاحظه‌ای داشته باشند، شناسایی شوند و شاخصه‌های متغیرهای پژوهش مشخص گردد. جامعه مورد مطالعه در تحقیق حاضر عبارتست از: نخبگان شیعه امامیه اثنی عشریه، اعم از نخبگان علمی فرهنگی (فقها، فلاسفه، متکلمین، مفسرین، ادیبان، اصحاب علوم طبیعی و...)، اجتماعی و سیاسی که در فاصله زمانی مورد نظر در حوزه ایران و عراق، معرفی شده‌اند و با مراجعه به تاریخ‌های عمومی و محلی، کتاب‌های رجال، کلام، فقه، جغرافیا و... و بررسی محتوای آنها و نیز استفاده از نرم افزارهای کتابخانه‌ای، اطلاعات جمع‌آوری و در جداولی پیاده شد (در الگوی سنخ‌شناسی پژوهش، جداول توضیح داده شده است). جهت تشخیص و تعیین نخبگان مورد نظر، منابع بسیاری مطرح بود که با توجه به تعدد و تکرار کتاب‌های رجالی، طبقات، تواریخ عمومی، محلی و...، قرار بر آن شد تا در وهله اول، نزدیک‌ترین منابع شیعه امامیه به دوره تاریخی

مورد بحث، ملاک پژوهش قرار گیرند و علاوه بر آنها از کتاب‌های رجال‌ی شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز در جهت تکمیل اطلاعات، استفاده شود. شخصیت‌های شیعه امامیه و تألیفات آنان در طبقات/اعلام/الشیعه و الذریعه معرفی شده‌اند. منابع شیعه نزدیک به دوران مورد بحث، کتاب *التقصّ قزوینی* و *فهرست منتجب الدین* و پس از آنها *مجالس المؤمنین* قاضی شوشتری است که علاوه بر محتوای تاریخی - رجالی، جنبه‌های اجتماعی و کلامی تاریخ تشیع را نیز در بر می‌گرفت. نام نخبگان شیعه دوازده امامی بر اساس این آثار شناسایی و اطلاعات مورد نیاز تکمیل گردید. ملاک انتخاب افراد، شیعه دوازده امامی بودن، نخبگی و مؤثر بودن آنها در تغییرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی یا نظامی، بود. در نهایت، نوع جهت‌گیری سیاسی، و نحوه ارتباط آنها با حاکمیت و میزان تأثیر متغیرهای مستقل پژوهش بر آن نیز باید مشخص می‌گردید. متغیرهای مستقل و شاخصه‌های آنها، با توجه به مطالعات انجام شده و به شرح مفصلی که در رساله آمده، انتخاب شده است.

زندگی نامه و مشخصات حدود هزار نفر نخبه، مورد بررسی قرار گرفت. ملاک انتخاب در وهله اول نخبه بودن، شیعه دوازده امامی، رعایت محدوده زمانی و مکانی و یافتن اطلاعات لازم در منابع موجود بوده است. بسیاری از این افراد در منابع اصلی و یا دیگر منابع فقط نام برده شده و اطلاعات مختصری از آنها در اختیار بود که تکمیل جداول را غیر ممکن می‌کرد و یا در تشیع آنها تردید وجود داشت و یا تکرار نام‌های دیگر با تفاوت در کنیه یا لقب بود. در این مسیر افراد بر اساس نوع نخبگی، به هفت دسته: (فقیه یا محدث، صاحب منصب، ادیب و شاعر، عالم علوم طبیعی و ریاضی، مورخ و رجالی،

فیلسوف و متکلم و مفسر) تقسیم شده‌اند. تلاش بر آن بوده تا هر عاملی را که بتوان با توجه به نظریات دانشمندان، در جهت‌گیری سیاسی مؤثر دانست، بررسی نمود. بنابراین تعدادی متغیر زمینه‌ای و یا شاخصه‌هایی که زیر مجموعه متغیرهای مستقل محسوب شده‌اند، تعیین گردید و بر اساس آن فراوانی نخبگان، شاخصه‌های تعیین شده، گرایش‌های علمی: (عقلی، نقلی، تجربی، شهودی)، وضعیت اقتصادی و منزلت اجتماعی آنان، مشخص شد.

در نهایت تأثیر هر کدام از این متغیرها، بر جهت‌گیری سیاسی نخبگان نسبت به حاکمان (خلیفه عباسی یا سلطان و یا حاکم محلی) بر اساس جداول و تکنیک‌های آماری، تحلیل و تبیین خواهد شد.

تکمیل نمودن اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و رفتار سیاسی نخبگان شیعه دوازده امامی، که در اکثر دوران تاریخی مذکور به چشم نیرویی مخالف و تحت نظر به حساب می‌آمدند، بسیار مشکل بود و با وجود مراجعه و دقت در بسیاری از منابع قدیم و جدید، (از جمله آثار رجال‌ی هشت گانه، معجم رجال الحديث آیت الله خوئی، ریاض العلماء و حیاض الفضلاء افندی و *اعیان الشیعه* امین و...) به کنار گذاشته شدن بسیاری از افراد انجامید. در نهایت ۲۴۳ نخبه شیعه، که در کتب مذکور نامشان آمده و در یک یا چند حوزه از حوزه‌های مطروحه منشأ اثر بوده‌اند، ملاک پژوهش قرار گرفت.

به عبارت دیگر، روش پژوهش در این نوشتار به ترتیب زیر خواهد بود:

۱- جمع‌آوری اطلاعات پیرامون ویژگی‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نخبگان شیعه دوازده امامی،

۲- تهیه جدول آماری مربوط به فراوانی نخبگان شیعه دوازده امامی بر حسب نوع نخبگی آنان و نگرش‌های متفاوت علمی، و دیگر شاخصه‌های متغیرهای پژوهش،

۳- بهره‌برداری از الگوهای نوع‌شناسی مرتون و گرث و میلز پیرامون جهت‌گیری نسبت به کنترل اجتماعی و طراحی مدل مقدماتی مختص به پژوهش حاضر و تبدیل داده‌های کیفی به کمی،

۴- مقیاس‌ها بر حسب سازگاری گرایش‌ها و رفتارهای نخبگان با هنجارهای حاکمیت سیاسی و یا مخالفت با آنها تعیین می‌گردد،

۵- تحلیل آماری، همبستگی سنجی و تبیین جهت‌گیری سیاسی متفاوت نخبگان شیعه دوازده امامی نسبت به هنجارهای حاکمیت سیاسی (همراه با ارزیابی فرضیه‌های موجود، ابطال و یا تأیید و توسعه فرضیه با رویکرد نظریه پردازی).

اعتبار یافته‌ها بر حسب بهره‌برداری از منابع دست اول و شاخص‌گیری از رهنمودهای نظری متفکرین اجتماعی تأمین می‌گردد و با استفاده از ابزارهای آماری نتایج به‌دست آمده در نهایت تجزیه و تحلیل شده و به تبیین داده‌ها خواهیم پرداخت. روش تحلیل مقایسه‌ای داده‌های تاریخی بر حسب شناسایی زمینه‌های سازگاری نخبگان شیعه دوازده امامی با هنجارهای مورد قبول حاکمیت سیاسی و یا مخالفت با آنها صورت می‌گیرد.

الگوی سنخ‌شناسی، شاخصه‌ها و متغیرهای پژوهش

پژوهش حاضر بر آن است که با توجه به نظریه‌های متفکرین علوم اجتماعی و روان‌شناسی، (بر اساس نوع شناسی مرتون و نظریه گرث و میلز در جهت‌گیری متفاوت نسبت به آرمان و هنجار- (میلز،

۱۳۸۰: ۲۸۶) شاخصه‌هایی را تعیین نماید و با سنجش داده‌های تاریخی، جهت‌گیری سیاسی متفاوت نخبگان شیعه را با توجه به دو جنبه نگرش و رفتار، شناسایی و تبیین نماید. نخبگان، اغلب در انتقال از یک ساختار اجتماعی به ساختار دیگر، نقش‌های مهمی ایفا می‌کنند و بر اساس آرمان‌ها و ایده‌آل‌های خود و با بهره‌گیری از امیدها و آرزوهای مردم، آنان را تحریک کرده و به طرفداری و یا مخالفت با یک نظام سیاسی سوق می‌دهند.

هرجا که هنجارها و مقررات، آرمان‌ها و آرزوهایی وجود داشته باشد، روان‌شناسی اجتماعی آموخته است که انتظار «تخطی» از آنها و در مورد احکام مذهبی انتظار «گناه» را داشته باشیم. بنابراین باید میان رفتارها و گرایش‌ها با توجه به هنجارهای مورد قبول حاکمیت تفاوت قائل باشیم (میلز، ۱۳۸۰: ۲۸۶-۲۵۵).

بنابر این، طرحی مقدماتی، تهیه گردید که بر مبنای آن چهار نوع جهت‌گیری نخبگان را نسبت به نظام سیاسی حاکم و یا قواعد عرفی، اخلاقی جامعه، می‌توان تصور کرد:

۱) فردی که هنجار معینی را در خویش می‌پرورد و یا تأیید می‌کند و در رفتار خویش نسبت به آن هنجار وفادار است. به عبارت دیگر، به هرچه می‌اندیشد و در مقام عقیده ابراز کرده، عمل می‌کند.

چنین فردی دارای نگرش مثبت و رفتار مثبت است. البته باید دقت کرد که هنجار از دید چه کسی تعریف می‌شود؟

اگر هنجار مورد نظر، همراهی و قبول مشروعیت حاکم و یا عادل تصور کردن او باشد و رفتار نیز موافق نگرشش باشد جهت‌گیری آنان همکاری نامیده شده است.

در نهایت تأثیر تک تک شاخصه‌ها و متغیرهای پژوهش بر جهت‌گیری سیاسی نخبگان سنجیده و ارزیابی خواهد شد تا مشخص شود که هر کدام چه ارتباطی با جهت‌گیری سیاسی نخبگان داشته‌اند؟ (متغیرهای زمینه‌ای در معرفی کلی مانند؛ قرن زندگی، زادگاه و محل سکونت، متغیرهای مستقل نوع نگرش علمی، وضعیت اقتصادی، حیثیت اجتماعی و متغیر طرح مقدماتی تهیه شده در چند محور به بررسی متغیرهای معرفی شده، خواهد پرداخت.

با توجه به تفاوت در نگرش و رفتار نخبگان، میزان تأثیر و ارتباط این متغیرها، با جهت‌گیری سیاسی نخبگان شیعه دوازده امامی، بررسی خواهد شد. سعی شده تا آنجا که امکان دارد بیش‌ترین متغیرهای احتمالی در نظر گرفته شود. بر این مبنا چهار نوع جهت‌گیری سیاسی در قالب همکاری، همکاری مصلحت‌اندیشانه، مخالفت مصلحت‌اندیشانه و مخالفت تعیین شده است.

- اولین ستون جدول متغیرها، به معرفی کلی و بیان ویژگی‌های توصیفی نخبگان اختصاص دارد. ابتدا به معرفی اجمالی نخبه خواهیم پرداخت و متغیرهای سال تولد و وفات (قرن حیات نخبه)، قومیت، زادگاه، محل سکونت و نسبت‌های خویشاوندی مهم ارزیابی می‌گردد تا معلوم شود که بیش‌ترین پراکندگی نخبگان شیعه امامیه در کدام قرن، از چه قومیت‌هایی و در چه شهرهایی بوده است و مشخص شود که در حکومت حاکمان مختلف هرکدام از این عوامل آیا تأثیری بر جهت‌گیری سیاسی نخبگان داشته‌اند یا خیر؟ اطلاعات مذکور در بدو امر، قابل دسترس‌ترین مواد در مورد بیش‌تر افراد شناسایی شده بود که در جهت ورود به بحث و آشنایی کلی و توصیفی با

۲) گروه دوم افرادی هستند که هرچند به هنجار موردنظر (گفتمان سیاسی مورد قبول حاکمیت)، اعتقادی ندارند و آن را نپذیرفته‌اند ولی در عمل با توجه به مقتضیات زمان و مکان، رفتاری موافق نشان می‌دهند و رفتاری مصلحت‌جویانه دارند. نگرش این افراد منفی و رفتار آنان مثبت است و در این پژوهش به جهت‌گیری آنان «همکاری مصلحت‌اندیشانه» اطلاق شده است.

۳) افرادی که در لفظ و نگرش موافق گفتمان سیاسی حاکمیت هستند، اما در عمل، از آن طفره می‌روند. به عبارت دیگر نگرش آنان نسبت به هنجار مورد نظر حاکمیت، مثبت و رفتار آنان منفی است. تبعیت از نظام سیاسی را در لفظ پذیرفته‌اند و لازم می‌دانند اما در عمل به بهانه‌های مختلف از همراهی با حکام خودداری می‌کنند، چنین جهت‌گیری را «مخالفت مصلحت‌اندیشانه» نامیده‌ایم. به دلیل تعداد بسیار کم این گزینه در میان نخبگان شیعه، عملاً در آمار به حساب نیامد.

۴) افرادی که هم در نگرش و هم در رفتار، تبعیت از نظام سیاسی حاکم را نمی‌پذیرفتند و مخالف همکاری و همراهی با گفتمان سیاسی غالب بوده‌اند. این گروه از نخبگان شیعی، از لحاظ درونی به ارزش مورد نظر خود که عدم پذیرش حاکم جائر غیر معصوم است متعهد بوده و هم در نگرش و هم در عمل و رفتار از معیارهای موردپذیرش خودشان تبعیت کرده‌اند و نسبت به هنجار حاکم که پذیرش و تبعیت از نظام سیاسی حاکم است، جهت‌گیری آنان مخالفت نامیده شده که هم در نگرش و هم در رفتار منفی است. چهار گروه مذکور ممکن است در عمل شاخه‌های فرعی داشته باشند و یا این که اصلاً عضوی نداشته باشند.

نخبگان لازم است. در واکاوی نظری مشخص شد که عوامل مذکور، از شاخصه‌های منزلت اجتماعی محسوب شده‌اند. از طرف دیگر با توجه به حکومت‌ها، سلاطین و خلفای متفاوت و متعدد که در طول دوره تاریخی مورد نظر بر سر کار آمده‌اند و نگرش‌ها و رفتارهای متفاوتی نیز با شیعه امامیه داشته‌اند (عادل یا جائر- متشیع یا ضد شیعه و...)، به نظر می‌رسید که امکان دخالت و تأثیر عنصر زمان و مکان را در متغیر وابسته پژوهش، نباید از نظر دور داشت. متغیر قومیت نیز با توجه به بحث و جدل‌های بسیاری که پیرامون گرایش بیش‌تر ایرانیان به تشیع و بحث عرب و عجم بر سر زبان‌هاست، لحاظ شد تا در معرض آزمون قرار گیرد و ضمن فراوانی سنجی، تأثیر قومیت بر جهت‌گیری سیاسی نخبگان ارزیابی شود. منظور از نسبت‌های خویشاوندی مهم نخبه، آن است که معلوم شود آیا به خاندان‌های سرشناس و معروف از نقطه نظر اشرافیت یا تمکن مالی یا وابستگی خاندانی به اهل بیت پیامبر (سادات)، یا مشاهیر علمی وابستگی دارد یا خیر؟ و اگر وابستگی دارد آیا ارتباطی با جهت‌گیری سیاسی نخبه داشته است؟ در نظریات مربوط به نخبگان یکی از معیارهای مؤثر در کنش‌های اجتماعی به ویژه از نظر پاره تو (Pareto, Vilfredo. 1902: vol 1, p. 28) و میلز وابستگی به اشراف سالاری‌ها و خاندان‌های برجسته است که سبب می‌شود تا مراودات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و به تبع آن جهت‌گیری‌های سیاسی شکل بگیرد. میلز، معتقد است نخبگان قدرت، خواستگاه اجتماعی مشترک و روابط خانوادگی بسیار نزدیک به هم دارند و گروه کوچکی هستند که مناصب مهم را اشغال کرده‌اند و تصمیم‌های مهم سیاسی توسط آنها گرفته می-

شود (C.Wright. Mills, 1959: 117) علاوه بر این، کاریزمای ارثی در قشرهای منزلتی وبر و یا سیادت موروئی (ماکس وبر، ۱۳۸۴: برداشتی از ۱۰۰-۹۲؛ ۳۸۷-۳۶۴) از جمله عوامل مؤثر در بالا بردن منزلت اجتماعی، و مداخله در کنش‌های سیاسی است. علاوه بر این، نویسندگان شیعه امامیه، چون قزوینی رازی در *التقصص* (همان: ۳۱-۳۱-۵۲-۵۳) و قاضی شوشتري در *احقاق الحق و ازهاق الباطل و مجالس المؤمنین*، (شوشتري، همان: ۱۵۱ - ۱۱۹ و ۹۲) اصالت نسب و شرافت خاندان در شیعه امامیه و سادات را یکی از عوامل نخبگی آنان و مایه مباحثات می‌دانند. بنابراین وابستگی به خاندان‌های مشهور علمی، سادات و یا وابستگی خویشاوندی به حاکمان و اشراف سالاری‌ها یکی از شاخصه‌های مؤثر در منزلت اجتماعی، مورد نظر خواهد بود.

- در دومین ستون جدول بر مبنای اولین فرضیه پژوهش، نگرش علمی نخبگان شیعی ارزیابی خواهد شد.

یکی از تفاوت‌های بارز در بین بزرگان شیعه امامیه تفاوت در نگرش علمی آنان است. فلاسفه اساساً استنباط عقلانی را منبع دریافت احکام علمی می‌دانند؛ چه شرع با آن موافق باشد یا نباشد. متکلمان شیعه نیز از همین منظر به موضوع می‌نگرند و تلاش دارند تا حکم علمی عقلی را به احکام شرعی نزدیک کنند و با اصل «*کلما حکم به العقل حکم به الشرع*» به قضایا می‌نگرند. اما غالب فقها، عقل را تا آنجا کارآمد می‌دانند که بتواند کاشف از عقلانیت شرعی یا کاشف از قول شارع مقدس و یا معصوم باشد. علاوه بر این بعضی از فقهای شیعه، در فهم مسائل اعتقادی، دینی، سیاسی و... به ظاهر روایات و آیات بیش از هرچیز دیگر تکیه می‌کنند و جهت‌گیری فکری و

سیاسی خود را، بر مبنای اعتماد به نقل شکل داده‌اند. به تعبیر «وبر» آنان را می‌توان دارای کنش عقلانی سنت گرا دانست. بنا بر تقسیمی دیگر، ملاک تعیین گرایش عقلی و یا نقلی، به اخباری‌گری و یا اصول گرا بودن علما مربوط می‌شود که بیش‌تر در بین فقها مصداق دارد و تمایز مشخص بین این دو گرایش، به سال‌های بعد از پژوهش، مربوط می‌شود، ولی می‌توان زمینه‌های آن را در حجت قرار دادن عقل برای فهم احکام شرعی و یا تکیه بیش از حد به منقولات روایی پیدا نمود. برای مثال گفته شده که بیش‌تر نخبگان قمی، گرایش نقلی داشتند. (نیومن، اندروجی، ۱۳۸۶: ۱۳۴) اکثر فقها، محدثان و مفسران در این گروه جای می‌گیرند. گروهی دیگر از فقها و نخبگان شیعی علاوه بر تکیه و تأکید به آیات و روایات، توجه بیش‌تری به عقل دارند و مسائل اعتقادی و سیاسی را با توجه به شواهد عقلی و شرعی تجزیه و تحلیل می‌نمایند و به عقل‌گرایی شهرت دارند، بنابر مباحثی که در واکاوی نظری مطرح شد، وبر آنان را دارای کنش عقلانی معطوف به ارزش و یا معطوف به هدف می‌داند.

از این رو گرایش علمی آنان، عقلی درنظر گرفته شده است. با توجه به نظریه «وبر» که قبلاً گفته شد، می‌شود. نخبگان شیعه امامیه را دیندارانی فرض کنیم که بعضی از آنها کنش عقلانی معطوف به ارزش‌های اعتقادی‌شان را در جهت‌گیری سیاسی خود مد نظر دارند و برای نیل به اهداف خود، وسایل متفاوت را بر طبق ارزش‌های دینی و عقلانی بکار می‌گیرند و گروه دیگر کنش عقلانی معطوف بر سنت و یا عاطفه را در پیش گرفته‌اند و بیش‌تر بر مبنای منقولات و التزام به ارادت، جهت‌گیری می‌کنند. با توجه به این که بیش‌تر نخبگان شناسائی شده، (حتی

غالب صاحب منصبان) وجهه علمی و فرهنگی داشته‌اند با همان معیار مذکور می‌توان عقل گرا و یا نقل گرای آنان را تشخیص داد. علاوه بر آن، تعریف وبر از انواع عقل‌گرایی، می‌تواند معیار تفکیک نگرش علمی نخبگان باشد.

گروهی از نخبگان صرف نظر از مبانی اندیشه سیاسی شیعه در آن زمان و یا نگرش سیاسی نخبه نسبت به حاکمیت، رفتار خود را جهت داده‌اند و در پی جلب منافع فردی یا جمعی و به مقتضای حال، با حاکمان برخورد کرده‌اند که این نوع عملکرد بر مبنای عقل‌گرایی معطوف به هدف شکل گرفته است، حال آنکه گروهی دیگر تحت هر شرایطی مقید به مبانی اندیشه اعتقادی - سیاسی خود بوده‌اند که نگرش علمی این دسته نیز نقل گرائی فرض شده است.

دانشمندان علوم طبیعی و ریاضیات و نجوم و پزشکی نیز عقل‌گرایانی بوده‌اند که بیش‌تر در وادی تجربه گام نهاده‌اند و می‌شود نگرش علمی آنان را تجربی قلمداد نمود و دسته دیگری نیز ورای عقل و نقل به کشف و شهود و حالات درونی و شناخت عرفانی تکیه داشته‌اند که نگرش علمی آنان شهودی فرض شده است و تعدادی از ادیبان و شعرا، در این دسته جای می‌گیرند.

نگرش علمی نخبه از طریق دو متغیر ارزیابی خواهد شد یکی با توجه به اشتها آنان به رشته‌های علمی رایج (فقه، فیلسوف، مورخ و...) و یا قضاوت مورخین و یا با توجه به داشتن یا نداشتن تألیفات جهت داری که نگرش علمی آنان را مشخص کند. در مواردی که نخبه‌ای به تبحر در چندین رشته علمی شهرت داشته باشد، وجه غالب با توجه به مهم‌ترین اثر بر جای مانده و بررسی زندگی شخص،

معین خواهد شد. نگرش سیاسی نخبه نیز در بسیاری از موارد، با توجه به تألیفات و یا سخنان و یا رویدادهای به جا مانده از او قابل شناسایی است.

بررسی وضعیت اقتصادی نخبگان و ارتباط آن با نوع جهت‌گیری سیاسی شان، یکی دیگر از فرضیات این پژوهش است. جهت ارزیابی آن دو ستون نوع فعالیت و شغل و میزان درآمد تعیین شد. از آنجا که به سختی می‌توان اطلاعات دقیق تاریخی پیرامون وضعیت اقتصادی همه نخبگان پیدا کرد، برآیند این دو فاکتور وضعیت اقتصادی نخبه را مشخص می‌کند که بالا (+)، متوسط (*), و یا پایین (-) خواهد بود. امروزه یکی از مهم‌ترین ابعاد زندگی بشر که در نظریات سیاسی و تحکیم مبانی دولت‌ها نیز روی آن حساب ویژه‌ای باز شده، میزان دارایی‌ها و تمکن مالی افراد و تأثیر آن بر اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی است. اموال و دارایی‌ها و حبّ به مال دنیا و جنگ و جدال‌های بشر در کسب منافع اقتصادی و قدرت بیشتر، باید همزاد با انسان فرض شود و یک جنبه از جدال حق و باطلی است که از ابتدای خلقت انسان تا انتهای آن ادامه دارد. طبیعی است که در هر جا از تعاملات سیاسی و نوع روابط با حکومت‌ها بحث می‌شود تأثیر عوامل اقتصادی نیز سنجیده شود. نخبگان شیعه امامیه، علی‌رغم سخت‌گیری‌های حکومت‌های مختلف و ابهاماتی که مورخین درباره شغل و میزان درآمد آنان دارند، در کل قشر تعیین‌کننده و مؤثری در مسائل اقتصادی به‌نظر می‌رسند به خصوص آن دسته از شیعیان که به مناصب دولتی رسیده‌اند و یا در سمت نقیب و قاضی ایفای نقش داشته‌اند، به هیچ عنوان فقیر و کم درآمد محسوب نمی‌شدند و در میانگین آماری که به‌دست آمد، نخبگان شیعه در مجموع وضعیت اقتصادی خوبی

داشته‌اند و یا اگر هم چنین نبوده است، غنای طبع و نگرش خاص اکثر نخبگان شیعی به حکومت‌ها و لزوم حفظ عزت نفس شیعه، آنان را از تکیه به دولت‌ها بی‌نیاز جلوه داده است. از جهت دیگر، در مباحث نظری توضیح داده شد که یکی از معیارهای اصلی در تعیین منزلت اجتماعی افراد، وضعیت اقتصادی آنان است.

- بررسی منزلت اجتماعی نخبگان شیعه و میزان

مقبولیت آنان در بین مردم، نخبگان هم عصرشان و مقامات سلطنتی و یا خلافت، (بر مبنای منزلت اجتماعی نخبه) فرضیه دیگر این پژوهش است که ارتباط آن با جهت‌گیری سیاسی نخبگان سنجیده خواهد شد.

در نظریات مربوط به نخبگان، یکی از مؤلفه‌های تشخیص نخبگان، جایگاه اجتماعی و منزلت یا حیثیت اجتماعی آنان است و این که در عرصه اجتماع و در کنش‌های اجتماعی چه مقدار مؤثر و سرنوشت‌ساز بوده‌اند؟ در فعالیت‌های فرهنگی نظیر ساختن مدارس، کتابخانه‌ها، مساجد و مکان‌های عام-المنفعه چون بیمارستان و ... چه مقدار مشارکت داشته و یا تأثیرگذار بوده‌اند؟ نویسندگان و مورخین معاصرشان چگونه از آنها یاد کرده و یا مدح و یا ذمّ نموده‌اند؟ توده مردم و عوام آنها را چگونه می‌شناخته‌اند و به چه میزان محبوبیت داشته‌اند؟ مقبولیت و وجاهت آنان در جامعه و در اقشار مختلف چگونه ارزیابی شده است؟ و بر اساس خصوصیات که گذشت، چه نوع جهت‌گیری سیاسی داشته‌اند؟

در تجزیه و تحلیل و جمع‌بندی نظریات مختلفی که پیرامون نخبگان و منزلت اجتماعی مطالعه شد،

سیاسی منفی داشته‌اند مخالفت مصلحت آمیز، و افرادی که نگرش و رفتار سیاسی منفی داشته‌اند تحت عنوان مخالفت دسته بندی شده‌اند.

ابتدا شرح حال نخبگان در صفحات مربوط به زندگی نامه آنان با مراجعه به انبوه منابع تاریخی و رجالی، (مشروح آن در رساله آمده)، جمع آوری شده و سپس داده‌ها در جداول پیاده و تجزیه و تحلیل گردیده است.

به دلیل ضرورت رعایت اختصار در مقاله، جدول مربوط به هفتمین گروه نخبه؛ مفسرین شیعه، که کمترین تعداد را داشتند بعنوان نمونه کار، در آخر مقاله، ارائه شده است. پس از جمع آوری و خلاصه کردن اطلاعات در جدول، یکی از قسمت‌های اصلی کار، توصیف آماری و سپس تحلیل جداول و همبستگی سنجی بین متغیرهای مختلف با متغیر وابسته تحقیق است که بسیار مفصل در رساله توضیح داده شده و جهت نمونه به بخش‌های کوچکی اشاره می‌شود.

در این پژوهش نخبگان احصاء شده، بر مبنای شاخص‌هایی که ذکر آن رفت به هفت گروه تقسیم شده‌اند که عبارتند از:

- ۱- فقها و محدثین، ۲- صاحب‌منصبان امامیه،
- ۳- ادیبان و شاعران، ۴- عالمان طبیعی و ریاضی،
- ۵- مورخان و رجالیون، ۶- فلاسفه و متکلمین،
- ۷- مفسرین.

توزیع جمعیتی هر یک از این گروه‌ها، بر مبنای اطلاعات گرد آوری شده در قالب جدول زیر به نمایش در آمده است:

شاخصه‌های اصلی تعیین منزلت اجتماعی نزد جامعه شناسان، مؤلفه‌های قدرت، ثروت و شهرت تعیین گردید (میلز، ۱۳۸۳: ۴۱-۴۰؛ گی روشه، همان: ۱۲۰-۱۱۶). کنشگر اجتماعی با مداخله در تصمیم‌گیری‌های مهم اجتماعی، الگو قرار گرفتن و شرکت در فعالیت‌های مؤثر به عنوان فردی با حیثیت و مقبولیت بالای اجتماعی شناخته می‌شود. قزوینی در النقص منزلت بالای اجتماعی نخبگان شیعه امامیه را در طرف مشورت قرار گرفتن حکام و سلاطین و فعالیت‌هایی چون ساختن کتابخانه، مدرسه، مسجد، بیمارستان، بازار و... به تصویر کشیده است و علاوه بر این‌ها تعلق آنان به خاندان‌های مهم و سرشناس نیز ملاک دیگری است که باید لحاظ نمود. به عبارت دیگر نخبه‌ای که وابستگی به خاندان‌های مشهور (سادات، علمی، حکومتی) داشته باشد و یا مرجع تصمیم‌گیری و مشاورت قرار بگیرد و یا در فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی چون ساخت مدرسه، مسجد، کتابخانه و... مؤثر باشد و در مجموع فردی مقبول و موجه شناخته شود، دارای حیثیت اجتماعی بالا (+)، متوسط (*) و یا پایین (-)، از نظر چهار گروه مردم، نخبگان معاصر، سلاطین محلی و یا خلافت خواهد بود که در ستون بعدی جدول ارزیابی می‌گردد.

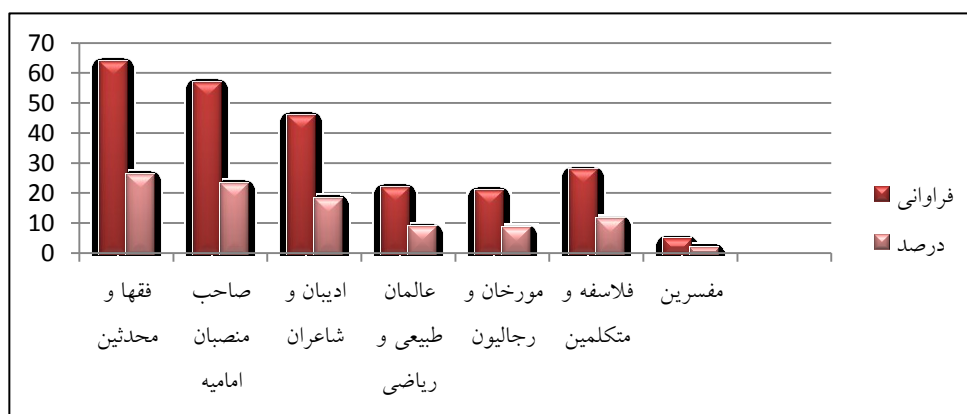
-آخرین ستون جدول سنخ‌شناسی، به متغیر مستقل، اختصاص دارد. در این جدول، نگرش و رفتار سیاسی مثبت نخبه نسبت به حاکمیت (خلافت یا سلاطین محلی)، همکاری نام گرفته است. نخبگانی که نگرش سیاسی آنان منفی و رفتار سیاسی شان مثبت بوده تحت عنوان همکاری مصلحت آمیز قرار گرفته‌اند. کسانی که نگرش سیاسی مثبت و رفتار

جدول دسته‌بندی نخبگان

دسته نخبگی	فراوانی	درصد
فقها و محدثین	۶۴	۲۶/۳
صاحب منصبان امامیه	۵۷	۲۳/۵
ادیبان و شعرا	۴۶	۱۸/۹
عالمان طبیعی و ریاضی	۲۲	۹/۱
مورخان و رجالین	۲۱	۸/۶
فلاسفه و متکلمین	۲۸	۱۱/۵
مفسرین	۵	۰/۲
جمع	۲۴۳	۱۰۰

منصبان امامیه می‌باشند. سایر گروه‌ها نیز به تفکیک در جدول فوق قابل ملاحظه است. نمودار زیر به خوبی گویای فراوانی هر یک از گروه‌های فوق‌الذکر می‌باشد:

همان گونه که ملاحظه می‌شود قریب به ۲۶ درصد از جمعیت مورد بررسی را فقها و محدثین تشکیل می‌دهند و حدود ۲۳ درصد از این جمعیت،



نمودار توزیع فراوانی گروه‌های هفتگانه نخبگان

نتایج پژوهش

بیش‌ترین فراوانی در افراد شناسایی شده به فقها و محدثین اختصاص داشت و بعد صاحب‌منصبان امامیه، ادیبان و شعرا، فلاسفه و متکلمین، عالمان علوم طبیعی، مورخان و رجالین و مفسرین که مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفتند و اطلاعات جمع‌آوری شده در هفت دسته جدول، جهت آزمون فرضیه‌ها و اعتبارسنجی توسط تکنیک‌های آماری، دسته‌بندی گردید.

در تک تک متغیرها، با جدول و نمودار و آزمون‌های پارامتریک و ناپارامتریک (مانند کندال، کای دو و کرامر و...) و جداول تقاطعی، معنی‌دار بودن یا نبودن، رابطه سنجی و ضرائب همبستگی سنجیده شد و نتایج قابل توجه و جالبی به‌دست آمد که به جهت رعایت اختصار و محدودیت صفحات مقاله، نتایج حاصله را، بدون تصویر و نمودار، ذکر کرده و علاقمندان را به اصل رساله، ارجاع می‌دهیم.

بررسی‌های انجام شده، پس از جمع‌آوری داده‌های تاریخی و تبدیل آن به اطلاعات آماری، نشان می‌دهد که در حدود ۶۳٪ از کل نخبگان مورد بررسی جهت‌گیری مخالف با خلافت داشته‌اند، ۳۶٪ همکار مصلحت‌اندیش بوده‌اند و تنها ۱/۷٪ از ایشان، همکاری کرده‌اند؛ مخالفت مصلحت‌اندیش نیز شناسایی نشد و در گروه‌های مورد بررسی عضویت نداشت.

حدود ۴۶/۵٪ از کل نخبگان مورد بررسی، همکاری مصلحت‌اندیشانه در رابطه با سلاطین محلی داشته‌اند، حدود ۲۶٪ با سلاطین جهت‌گیری همکاری را در پیش گرفته‌اند و ۲۷/۴٪ نیز مخالفت داشته‌اند. تعداد بالای همکاری مصلحت‌اندیش، می‌تواند نشان از انعطاف نخبگان شیعی در بعضی از دوره‌های تاریخی و یا نشانه تمایز قائل شدن نخبگان، بین خلفا با سلاطین یا حکام محلی باشد.

فرضیات و نتایج آزمون‌ها

فرضیه ۱

الف) رابطه نگرش علمی و جهت‌گیری نسبت به خلافت

بر مبنای نظریات مطرح شده در واکاوی نظری، ابتدا در چهار بُعد نگرش علمی، فراوانی سنجی به عمل آمد که بیش‌ترین تعداد بر نگرش علمی نقلی، تعلق گرفت (حدود ۵۲/۱٪) و در مرحله بعدی، نگرش عقلی، شهودی و سپس تجربی قرار دارد. در آزمون صورت گرفته، معلوم شد که بین متغیر نگرش علمی و جهت‌گیری سیاسی رابطه معنی‌داری وجود دارد که ضریب همبستگی ۲۳/۶٪ نشان می‌دهد که تقریباً

۲۴٪ از جهت‌گیری‌های نخبگان، به وسیله متغیر نگرش علمی آنان، قابل توضیح است، به بیان دیگر «نخبگانی که دارای نگرش نقلی بوده‌اند، جهت‌گیری مخالفت‌آمیزتری نسبت به خلفا داشته‌اند.»

در مقایسه بین گروه‌های هفت‌گانه، مشخص می‌شود که صاحب‌منصبان امامیه با گرایش عقلی، بیش‌ترین همکاری مصلحت‌اندیشانه را با خلافت داشته‌اند و در تحلیل واکاوی نظری (تقسیم‌بندی و بر)، انواع عقل‌گرایی در اینجا مورد استفاده واقع می‌شود. به بیان دیگر صاحب‌منصبانی که عقل‌گرایی معطوف به هدف، داشته‌اند با خلافت سازگارتر بوده‌اند.

در اینجا لازم به ذکر است که اکثر فقهای نقل‌گرا و فلاسفه عقل‌گرا با خلفا، مخالف بوده‌اند و نظریه نیومن در باره فقها عقل‌گرا ثابت نشد. اما تعاریف و بر در باره انواع عقل‌گرایی می‌تواند مورد استفاده در این بحث باشد و نخبگانی که عقل‌گرایی معطوف به سنت (فقها) یا ارزش (فلاسفه) داشته‌اند، مخالفت بیش‌تری با خلفا نموده‌اند.

به بیان دیگر با روش‌های گوناگون به ارزش‌ها و باورهای خود مقیدتر بوده‌اند.

ب) نگرش علمی و جهت‌گیری نسبت به سلاطین محلی

در مقایسه بین نگرش‌های مختلف و جهت‌گیری سیاسی آنان در کل نخبگان، معلوم شد که نگرش‌های عقلی، نقلی و شهودی در گروه خودشان، بیش‌تر همکاری مصلحت‌اندیش داشته‌اند تا جهت‌گیری‌های دیگر. و در آزمون‌های بعمل آمده مشخص گردید که جهت‌گیری سیاسی حدود ۲۴٪ از نخبگان شیعه در ارتباط با سلاطین محلی با متغیر نگرش علمی آنان

قابل تفسیر است؛ به این معنا که نخبگان دارای نگرش نقلی، جهت‌گیری مخالفت‌آمیزتری نسبت به سلاطین محلی داشته‌اند. هرچند جهت‌گیری سیاسی ایشان نسبت به سلاطین محلی کمتر از خلافت، مخالفت‌آمیز بوده و بیش‌تر به سمت همکاری پیش رفته‌است.

فرضیه ۲

الف) وضعیت اقتصادی و جهت‌گیری سیاسی نسبت به خلافت

فرضیه دوم با توجه به آزمون‌های انجام شده و آمار به‌دست آمده، اثبات می‌شود. نتیجه نشان می‌دهد که هر چقدر وضعیت مالی نخبگان بهتر شده، جهت‌گیری آنها با خلافت همکارانه و همسوتر گردیده‌است.

در این مورد، بالاترین تعداد پر درآمدها را صاحب منصبان داشته‌اند و همکار مصلحت‌اندیش بوده‌اند. در مرحله بعد، فقها بیش‌ترین پر درآمدها را داشته‌اند که هر چند تعداد بیش‌تری مخالف بوده‌اند، ولی آزمون آماری و علامت مثبت نشان می‌دهد که حدود ۱۸٪ از جهت‌گیری فقها، بواسطه وضعیت اقتصادی آنان قابل توضیح است و هر چه درآمدشان بالاتر بوده، همکاری مصلحت‌اندیشانه هم بیش‌تر بوده‌است.

هر چند در باره فقها و دیگر نخبگان علمی و مذهبی باید گفت که وجهه اجتماعی، سیاسی و مردمی آنان باعث می‌شد تا حاکمان خود را نیازمند به استفاده از نفوذ و اقتدار آنان در میان مردم ببینند و از آنها در زمینه‌های مختلف حتی اقتصادی کمک بخواهند و وجود رابطه در این متغیر الزاماً به‌دلیل مال دوستی و منفعت طلبی نخبگان معنا نمی‌شود. هرچند در معدودی از نخبگان چنین گرایشاتی دیده شده‌است.

ب) وضعیت اقتصادی و جهت‌گیری نسبت به سلاطین محلی

در این بُعد از فرضیه دوم، رابطه معنی‌دارتر است و حدود ۳۵٪ از تغییرات در جهت‌گیری سیاسی نخبگان در ارتباط با سلاطین محلی را می‌توان با عامل وضعیت اقتصادی توضیح داد و هر چه وضعیت اقتصادی بهتر بوده، جهت‌گیری نسبت به سلاطین محلی مثبت‌تر و با همکاری بیش‌تری صورت گرفته‌است.

به ویژه در دو گروه فقها و فلاسفه و متکلمین که در آزمون‌های جداگانه، ضریب همبستگی آنها نشان می‌دهد که هر چقدر وضعیت مالی بهتر بوده، جهت‌گیری نسبت به سلاطین محلی همسوتر و همکارانه بوده‌است. این نتیجه می‌تواند نشان دهنده تفاوت قائل شدن نخبگان، بین حاکمانی باشد که آنها را غاصب و ظالم فرض کرده‌اند با سلطنت‌های عرفی و یا حاکمانی که آنها را عادل فرض کرده‌اند.

فرضیه ۳

الف) حیثیت اجتماعی و جهت‌گیری نسبت به خلافت

در بررسی‌های به عمل آمده، مشخص شد که بیش‌تر نخبگان شیعی از منزلت و مقبولیت بالایی در جامعه خود برخوردار بوده‌اند و به همین دلیل یافتن ارتباط معنی‌دار در این متغیر، به راحتی میسر نیست و نمی‌توان واریانس گرفت. با این حال می‌توان چنین برداشت کرد که نخبگان شیعه که عموماً از حیثیت اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند و مقبولیت زیادی نیز داشته‌اند، لزوماً مایل به همکاری با خلفا نبوده‌اند.

کرده‌اند. ۳ نفر از آنها، ایرانی بوده‌اند. در بررسی رابطه بین قومیت و جهت‌گیری نخبگان، می‌توان نتیجه گرفت که در گروه صاحب منصبان، قومیت‌های ایرانی بیشتر دارای رویکرد همکاری بوده‌اند. در حالی که در گروه مفسرین نتیجه برعکس است و قومیت‌های عرب بیشتر دارای این رویکرد بوده‌اند.

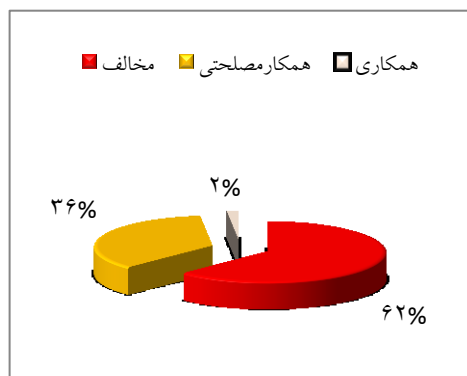
۸۰٪ مفسران، نسبت خویشاوندی مهم دارند. نگرش علمی بیش‌تر آنان نقلی برآورده شده است و همگی تألیفات جهت‌دار، داشته‌اند. مشاغل و سطح درآمد مفسران به گونه‌ای است که تقریباً نیمی از آنان، درآمد متوسط و نیمی نیز درآمد بالا دارند و در کل وضع اقتصادی آنها مطلوب بوده است و همه آنها از حیثیت اجتماعی بالایی برخوردار بوده‌اند.

با تفسیر نتایج آزمون در این دو گروه می‌توان نتیجه گرفت که در گروه صاحب منصبان، قومیت‌های ایرانی بیشتر دارای همکاری مصلحت‌اندیشانه بوده‌اند.

در حالی که در گروه مفسرین نتیجه برعکس است و قومیت‌های عرب بیشتر دارای همکاری مصلحت‌اندیشانه بوده‌اند.

به بیان بهتر، مفسران عرب، بیش‌ترین همکاری را با خلافت داشته‌اند و در زمینه وضعیت اقتصادی نیز هر چه درآمد مفسران بالاتر بوده، رو به همکاری مصلحتی با خلفا همین رویکرد را با سلاطین نیز داشته‌اند.

جهت‌گیری کلی نخبگان نسبت به سلاطین محلی

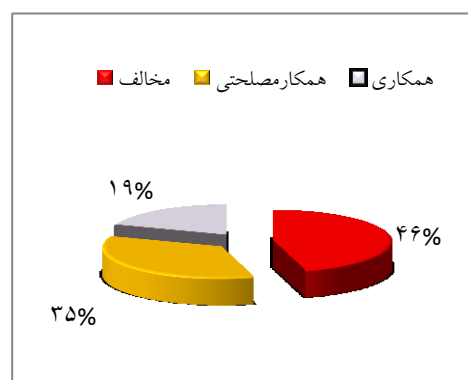


ب) حیثیت اجتماعی و جهت‌گیری نسبت به سلاطین محلی در این مورد نیز در کل نخبگان رابطه معنی‌داری به‌دست نیامد و تنها در گروه فقهاست که در بررسی جداگانه گروه‌های نخبگی و آزمون مربوطه معلوم می‌شود که هر چقدر حیثیت اجتماعی آنها افزایش یافته، جهت‌گیری سیاسی آنها نسبت به سلاطین محلی هم‌سو تر و هم‌کارانه‌تر شده است. این نتیجه بیش‌تر مؤید نفوذ و مقبولیت فقها و محدثین در بین عموم بوده و این که در اثر شایستگی‌هایی که از خود نشان داده‌اند و قدرت تأثیری که در توده مردم داشته‌اند، مورد توجه سلاطین واقع شده و طرف مشورت آنان بوده‌اند و نیز مؤید این نکته است که فقها از نقطه نظر نگرش و اندیشه سیاسی شان، کراهتی را که در مراوده با خلفا داشته‌اند، نسبت به همه سلاطین نداشته‌اند. جزئیات پژوهش و نتایج حاصل از فراوانی‌سنجی نخبگان در نمودارهای صفحه بعد خلاصه شده و ارائه می‌گردد:

نتایج تحلیل آماری جدول مفسرین

آخرین گروه که کمترین تعداد را به خود اختصاص داده است، گروه مفسران بودند. مفسرانی که شناسایی شد (۲ درصد) جمعیت نخبگان را تشکیل می‌دهند. ۴ نفر از آنان در قرن ۶ و یک نفر در قرن ۴ زندگی

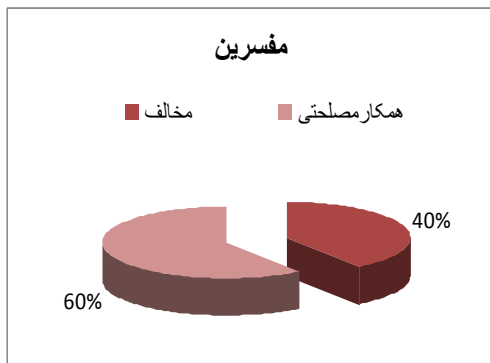
جهت‌گیری کلی نخبگان نسبت به خلافت



آزمون قومیت و جهت‌گیری نسبت به سلاطین

گروه	آزمون	ارزش	سطح معنی داری
صاحب‌منصبان	کنندال (تاو c)	۰,۳۴۹	۰,۰۰۳
مفسرین	کنندال (تاو c)	-۰,۶۴۰	۰,۰۲۵

نمودار جهت‌گیری مفسرین نسبت به خلافت و سلاطین محلی



جدول زیر نمونه‌ای از خلاصه اطلاعات پیاده شده (مفسرین) است

ویژگی نام نسخه		متغیرهای مستقل										متغیر وابسته					
		معرفی کلی		نگرش علمی	وضعیت اقتصادی	حیثیت اجتماعی		جهت گیری سیاسی نسبت به									
								خلافت		سلطنت	جهت گیری سیاسی نسبت به						
											سلطنت		خلافت				
سال تولد و وفات	قومیت	زادگاه و محل سکونت	نسبت های فقهی و فقهی	تألیفات	نوع فعالیت و درآمد	میزان درآمد	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م	
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآیند	برآیند	مردم	نخبگان	سلطنت	خلافت	م	م	م	م	م	م
			مهم	فقهی	دار	برآین											

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۷۷ش). *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*. ترجمه باقر پرهام. تهران: علمی و فرهنگی.
- آریان‌پور، منوچهر. (۱۳۸۲ش). *فرهنگ جامع پیشرو*. تهران: جهان رایانه. چ اول.
- آشوری، داریوش. (۱۳۸۶ش). *دانشنامه سیاسی (فرهنگ اصطلاحات و مکتب‌های سیاسی)*. تهران: مروارید. چ ۱۴.
- آلپورت، گوردن دبلیو و ادواردای جونز. (۱۳۷۱ش). *روان‌شناسی اجتماعی از آغاز تا کنون*. ترجمه محمدتقی منشی طوسی. مشهد: آستان قدس رضوی. چ اول.
- آقاجری، هاشم. (۱۳۷۶ش). *مبانی رفتار سیاسی عالمان شیعی / امامی (در سده‌های چهارم تا هفتم)*. کتاب یادنامه آیت الله خاتمی. به اهتمام محمدتقی فاضل میبدی. قم: معارف اسلامی امام رضا (ع).
- ابن ابی‌الحدید، عزالدین ابوحامد. (۱۳۷۵ش). *جلوه تاریخ در شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحدید*. ترجمه محمود مهدوی دامغانی. تهران: نی. چ ۲.
- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن علی‌بن ابی‌الکریم... الشیبانی. (۱۳۹۹هـ/ ۱۹۷۹م). *الکامل*. بیروت: دارصادر.
- ابن جوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی بن محمد. (۱۴۱۲ق/ ۱۹۹۲م). *المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم*. تحقیق محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن خلدون. (۱۴۹۸ق/ ۱۹۸۸م). *مقدمه ابن خلدون*. تحقیق از خلیل شحاده. بیروت: دارالفکر.
- ابن شهرآشوب مازندرانی، محمد بن علی. (۱۳۸۰هـ.ق). *معالم العلماء*. نجف: چاپخانه حیدریه.
- _____ (بی‌تا). *مناقب آل ابی‌طالب*. قم: علامه.
- ابن‌کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمر. (۱۴۰۷ق/ ۱۹۸۶م). *البدایة و النهایة*. بیروت: دارالفکر.
- اتکینسون، ریتال و همکاران. (۱۳۷۰ش). *زمینه‌های روان‌شناسی*. ترجمه محمدتقی براتی و دیگران. تهران: رشد.
- ادیبی، حسین. (۱۳۵۴ش). *جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی*. تهران: دانشکده علوم اجتماعی و تعاون.
- امین، سید محسن. (۱۴۰۶ق). *اعیان الشیعة*. بیروت: دار المعارف للمطبوعات.
- باتامور، تی، بی. (زمستان ۱۳۷۷ش). *نخبگان و جامعه*. ترجمه علیرضا طیب. تهران: شیرازه.
- بشیری، حسین. (۱۳۸۴ش). *جامعه‌شناسی سیاسی نقش نیروهای اجتماعی در زندگی سیاسی*. تهران: نی.
- بیهقی، علی بن زید. (۱۹۳۵م). *تاریخ بیهقی*. تصحیح احمد بهمنیار. بی‌جا: بی‌نا.
- تامین، ملوین. (۱۳۷۳ش). *جامعه‌شناسی قشریندی و نابرابری‌های اجتماعی*. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر. تهران: توتیا.
- تهرانی، آقا بزرگ. (۱۴۰۸ق). *الذریعة الی تصانیف الشیعة*. تهران: ناشر اسماعیلیان قم و کتابخانه اسلامی.
- _____ (بی‌تا). *طبقات اعلام الشیعة*. تحقیق علی نقی منزوی، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- جرفادقانی، محمدبن علی اصغر. (۱۳۶۴ش). *علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی*. قم: معارف اسلامی.

- حسینی ارموی (محدث)، میرجلال‌الدین. (۱۳۵۸ش). *تعلیقات نقض*. تهران: انتشارات انجمن آثار ملی. ۲ جلد.
- حلبی، تقی بن نجم‌الدین. (۱۴۰۳ق). *الکافی فی الفقه*. تحقیق رضا استادی. اصفهان: کتابخانه امیرالمؤمنین (ع). چ اول.
- خوئی، سید ابوالقاسم. (۱۴۱۰ق/۱۳۶۹ش). *معجم رجال‌الحديث و تفصیل طبقات الرواة*. قم: مرکز نشر آثار شیعه.
- دوانی، علی. (۱۴۱۳ق). *شیخ مفید (مقالات فارسی کنگره جهانی هزاره شیخ مفید)*. قم: مهر. چ اول.
- ذهبی، شمس‌الدین ابی‌عبدالله. (۱۴۱۱ق). *تاریخ الاسلام و وفیات المشاهیر و الاعلام*. تحقیق عمر عبدالسلام تدمری. بیروت: دار الکتب العربی.
- روشه، گی. (۱۳۸۳ش). *تغییرات اجتماعی*. ترجمه منصور وثوقی. تهران: نی. چ ۱۶.
- زرکلی، خیرالدین. (۱۹۸۹م). *الاعلام قاموس تراجم الرجال و النساء من العرب و المستعربین و المستشرقین*. بیروت: دار العلم للملایین.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۵ش). *درآمدی بر دائرة المعارف علوم اجتماعی*. تهران: کیهان.
- سلار دیلمی، حمزة بن عبدالعزیز. (۱۴۰۴ق). *المراسم العلویة و الاحکام النبویة*. تحقیق از محمود بستانی. قم: نشرالحرمین. چ اول.
- سید رضی. (تابستان ۱۳۷۹). *نهج البلاغة / امام علی (ع)*. ترجمه مصطفی زمانی. تهران: نبوی. چ ۱۵.
- _____ (۱۴۰۵ ق). *رسائل شریف مرتضی*. قم: دارالقرآن الکریم.
- سید مرتضی. (۱۹۵۴م). *رسائل الشریف المرتضی*. ویرایش محمدحسن آل یاسین. بغداد: المعارف. ج ۲.
- شیرازی زنجانی، سید محمد جواد. (۱۳۸۲ش). *نعمانی و مصادر الغیبة*. شماره ۸. صص ۳۵۷ تا ۳۹۰.
- شوشتری، قاضی نورالله حسینی مرعشی. (۱۴۰۹ ق). *احقاق الحق و ازهاق الباطل*. قم: نشر کتابخانه آیت الله مرعشی. چ اول.
- _____ (۱۳۶۷ش). *صوارم المهرقة فی رد الصواعق المحرقة*. تهران: چاپخانه نهضت.
- شهرستانی، محمد بن عبدالکریم. (۱۴۰۴ق). *الملل و النحل*. تحقیق از محمد سید گیلانی. بیروت: دارالمعرفه.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی. (۱۳۷۸ش). *عیون اخبار الرضا (ع)*. تهران: نشر جهان.
- _____ (۱۳۷۷هـ.ق). *المقنعة و الهدایة*. تصحیح محمد بن مهدی واعظ خراسانی. تهران: مکتبة الاسلامیة.
- _____ (۱۴۰۶ق). *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*. قم: دارالشریف الرضی. چ دوم.
- شیخ مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد. (۱۴۱۳ ق). *الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*. قم: کنگره شیخ مفید.
- _____ (۱۴۱۳ق). *الاختصاص*. قم: کنگره شیخ مفید. چ اول.
- _____ (۱۴۱۳ق). *المقنعة*. قم: کنگره شیخ مفید. چ اول.
- صلیبی، ژاسنت. (۱۳۸۲ش). *فرهنگ توصیفی روان‌شناسی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. چ اول.

- طبری، عمادالدین. (۱۳۸۳ش). کامل بهائی. تحقیق: اکبر صفدری قزوینی. تهران: نشر مرتضوی.
- طبرسی، ابومنصور احمد بن علی. (۱۴۰۳ق). الاحتجاج علی اهل اللجاج. مشهد: نشر المرتضی.
- عمانی، حسن بن علی بن ابی‌عقیل حدّاء. (۱۴۱۳ق). حیاة ابی‌عقیل و فقهه. تحقیق از مرکز معجم فقهی (شیخ علی کورانی). قم: ناشر سید شرف العرب موسوی. چ اول.
- فیض کاشانی، محمد محسن. (۱۴۰۶ق). الوافی. محقق و مصحح ضیاء الدین حسینی اصفهانی. بی‌جا: نشر کتابخانه امیرالمؤمنین علی (ع).
- قاسم بن محمد. (۱۴۲۱ق). الاساس لعقائد الاکیاس. صعدة: مکتبة التراث الاسلامی.
- قزوینی رازی، نصیرالدین ابورشید عبدالجلیل. (۱۳۵۸ش). بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض. تصحیح میرجلال‌الدین ارموی (محدث). تهران: انتشارات انجمن آثار ملی.
- قنادان، منصور و دیگران. (۱۳۸۳ش). جامعه‌شناسی (مفاهیم کلیدی). تهران: انتشارات آوای نور. چ پنجم.
- کلینی رازی، محمد بن یعقوب. (۱۳۶۲ش). اصول کافی. ترجمه و شرح جواد مصطفوی. تهران: انتشارات علمیه اسلامیة. چ دوم.
- کوزر، روزنبرگ و برنارد لوئیس. (۱۳۸۳ش). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نی. چ دوم.
- گروترز، چارلز. (۱۳۷۸ش). جامعه‌شناسی مرتون. ترجمه زهره کسای. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- مادلونگ، ویلفرد. (۱۳۷۵ش). مکتب‌ها و فرقه‌های اسلامی. ترجمه جواد قاسمی. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- مسکویه، ابوعلی. (۱۳۷۹ش). تجارب الامم. تحقیق ابوالقاسم امامی. تهران: سروش. چ دوم.
- متل، شوارتسن. (۱۳۷۸ش). ساختارهای قدرت. ترجمه ناصر جمال‌زاده. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- موسکا، گائتانا و گاستون، برتول. (۱۳۷۷ش). تاریخ عقاید و مکتب‌های سیاسی از عهد باستان تا امروز. ترجمه حسین شهیدزاده. تهران: مروارید.
- میلز، سی‌رایت، هانس گرت. (۱۳۸۰ش). منش فرد و ساختار اجتماعی (روان‌شناسی نهادهای اجتماعی). ترجمه اکبر افسری. تهران: بی‌نا.
- آگاه نیومن، اندرو جی. (۱۳۸۶ش). گفتمان حدیثی میان قم و بغداد (دوره شکل‌گیری تشیع دوازده امامی). ترجمه و نقد مؤسسه شیعه‌شناسی.
- واسطی الزبیدی، محمد مرتضی. (۱۹۹۴م). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دارالفکر.
- وبر، ماکس. (۱۳۷۳ش). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری. ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی.
- ولوی، علیمحمد. (زمستان ۱۳۸۰ش). دیانت و سیاست در قرون نخستین اسلامی. تهران: دانشگاه الزهراء (س). چاپ اول.
- میرابوالقاسمی، رقیه. (۱۳۹۰ش). سنخ‌شناسی و تبیین تحول گفتمان در گزارش واقعه کربلا (با تکیه بر آثار فارسی تا قرن دهم ه.ق). پایان‌نامه جهت اخذ درجه دکتری رشته تاریخ اسلام. تهران: دانشگاه الزهراء (س).

Dahrendorf, Ralf. (1959). *Class and Class Conflict in Industrial Society*. Stanford Calif: Standford University Press.

H, Greth and C, Wringht. Mills, *From Max Weber*. London.

Lambton, Ann.Katrin. S. (1981). *State and Government*. Zurich and Munich.

Madelong, Wilfered. (1968). *Emamis and Mutazilite theology*. Le shi'isme imamate.

Merton,P.K. (1976). *Sociological Ambivalence*. New York: Free Press, Merton. P. K. (1968). *Social Theory and Social Structure*. New York: Free Press.

Mills, C, Wright. (1959). *The Power Elite*. Oxford: U.P

Pareto, Vilfred. (1935). *Mind and Society*. Vol, 3. New York.

_____. *Les Systemes Socialiste*. Vol, I.

Sachedina, Abdulaziz, Abdulhusseon. (1988). *The just ruler (al- sultsn al – adil) in Shiite islam: the comprehensive authority of the jurist in imamate jurspridence*. New York & Oxford: university press.

فخرائی، سیده سوسن. (۱۳۹۰ش). *سنخ‌شناسی و تبیین جهت‌گیری سیاسی نخبگان شیعه اثنی عشری در شرق خلافت اسلامی در سال‌های ۳۲۹-۶۵۶ ق*. پایان نامه جهت اخذ درجه دکتری رشته تاریخ اسلام. تهران: دانشگاه الزهراء(س).

محمدی، زهرا. (۱۳۸۹ش). *سنخ‌شناسی اصحاب راوی شأن نزول آیات سیره نبوی (ص)*. پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام. تهران: دانشگاه الزهراء(س).

سهراب‌زاده، خدیجه. (۱۳۸۹ش). *سنخ‌شناسی رفتاری صحابه‌ی شاخص حاضر در غزوات با تکیه بر الگوی سنخ‌شناختی قرآن*. پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام. تهران: دانشگاه الزهراء(س).

Weber, Max. (1997). *Economy and society*. Vol, II. Berkley. California: Up.

_____. (1985). *The Protestant Ethic and the Sprit of Capitalism*. Trans: Talcott Parsons. New York: Scribner's.